

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شکوہ اربعین

به كوشش محمد حسين پورامينی

کتابخانه

شکوه اربعین

به کوشش محمدحسین پورامینی
تهیه کننده: مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات (حوزه های علمیه)
نشانی الکترونیک: www.pasokh.org
شمارگان:
شاپک:

فهرست مطالب

مقدمه	۹
گفتار اول: زیارت در سیره و سنت رسول خدا ﷺ	۱۱
حقیقت مرگ	۱۳
عالم برزخ	۱۴
زیارت مؤمن در هنگام حیات	۱۶
زیارت اهل قبور	۱۷
پیااده روی برای زیارت امام حسین ؑ	۱۹
ثواب زیارت امام حسین ؑ	۲۱
حقیقت زیارت	۲۲
جایگاه زیارت امام حسین ؑ	۲۳
توجه به شکوه مراسم اربعین	۲۴
آثار زیارت اربعین	۲۴
اربعین یکی از نشانه‌های ایمان	۲۵
گفتار دوم: تاریخچه و مبانی روایی و تاریخی زیارت اربعین	۲۷
مفهوم‌شناسی زیارت	۲۹
زیارت امری مرسوم در صدر اسلام	۲۹
زیارت امام حسین ؑ	۳۳
سرّ اربعین حسینی	۳۵
زیارت اربعین یکی از پنج نشانه مؤمن	۳۶
جابر بن عبدالله انصاری و زیارت اربعین	۳۷

- ۴۱ دعای امام صادق علیه السلام برای زائران حسینی
- ۴۲ اربعین، شعاری از شعائر مهم اسلامی
- ۴۵ گفتار سوم: اربعین و مسئله دشمن شناسی**
- ۴۷ پیامبران، مصلحان واقعی
- ۴۹ لزوم شناخت دوست از دشمن
- ۵۴ تسلیم بودن نسبت به امر مولی، دشمن شناسی
- ۵۵ جنگ شناختی و راه مقابله با آن
- ۵۶ آمادگی جهاد در رکاب امام زمان علیه السلام
- ۵۷ لزوم برائت از دشمنان اهل بیت علیهم السلام
- ۵۸ ضیافت اربعین، ضیافت اشک و عرش
- ۵۹ گفتار چهارم: آثار فردی و اجتماعی زیارت اربعین**
- ۶۱ از قداست عدد چهل تا اربعین حسینی
- ۶۲ زیارت اربعین نماد شیعه
- ۶۲ آثار فردی و اجتماعی زیارت اربعین
- ۶۴ آثار فرهنگی و تمدنی اربعین
- ۶۷ گفتار پنجم: مبانی و اصول پیاده روی برای زیارت امام حسین علیه السلام**
- ۶۹ معنای مبانی و اصول و تفاوت آن دو
- ۶۹ مبانی راهپیمایی اربعین
- ۷۱ اصول زیارت اربعین
- ۷۴ راهپیمایی اربعین، مؤلفه اقتدار تشیع
- ۷۵ راهپیمایی اربعین از منظر اجتماعی
- ۷۷ گفتار ششم: زیارت اربعین، وسیله ارتباط بین پیروان ادیان و مذاهب مختلف**
- ۷۹ لزوم بازتاب جهانی پدیده اربعین
- ۷۹ رابطه پدیده اربعین و شعائر شبه اسلامی با دیگر شعائر اسلامی

فهرست مطالب ■ ۷

۸۰	پدیدهٔ اربعین؛ تکریم از یک شخص و حادثهٔ مقدس.....
۸۲	زیارت و تکریم به صورت پیاده‌روی در ادیان و مذاهب.....
۸۳	اربعین و مقولهٔ تمدن نوین اسلامی.....
۸۵	اربعین و گفتمان مقاومت.....
۸۵	مسئلهٔ اربعین و مقولهٔ وحدت اسلامی.....
۸۶	پدیدهٔ اربعین و ارتباط آن با دیپلماسی شهروندی و سیاسی در جهان اسلام.....
۸۷	حرف آخر.....
۸۹	منابع.....

مقدمه

در دو دهه اخیر زیارت اربعین حسینی از یک عبادت مستحب فردی به یک آیین مستحب اجتماعی تبدیل شده و به زیبایی اثر قدرت بخشی خود را نشان داده است. امروزه مشاهده می کنیم راهپیمایی عظیم اربعین یک خیزش عمومی منظم، استثنایی، وحدت بخش، ظرفیت ساز، هدفمند و در مسیر واحد بر محور امامت است.

اربعین ارائه یک سبک زندگی بر محوریت امام حسین علیه السلام در تراز جهانی برای انسان معاصر قلمداد می شود. اربعین؛ یک نحوه زیست توحیدی شامل منظومه ای از ارزش های ناب است؛ در آن سیاست، اخلاق و علم و دانش و... نهان شده و این الهیات رهایی بخش می تواند قواعد حاکم بر جهان معاصر را دگرگون کند و جهان را به استقبال دولت موعود سوق دهد و حاکمیت مهدوی علیه السلام را به لطف و مدد الهی سرعت ببخشد.

راهپیمایی اربعین با این مشخصات به نوعی شکل گرفته است که زیارت امام حسین علیه السلام به عنوان نقطه کانونی آن به شمار می آید و به نوعی همگان در بازگشت به سوی امام علیه السلام ضمن تجدید بیعت با ایشان از دشمن بیزاری می جویند. با این نگاه به این روایت امام هادی علیه السلام اشاره می کنیم که امام در رابطه با زیارت ائمه اطهار علیهم السلام به یک نکته زیبا اشاره می کنند که شما شیعیان با زیارت ائمه علیهم السلام ضمن

ابراز ولایت‌پذیری و فرمانبرداری از پیشوایان معصوم^{علیهم‌السلام} از دشمنان آنها نیز اعلام بیزاری می‌کنید.

اثر فرارو برآیند مدرسهٔ تابستانی «شبهه‌پژوهی اربعین و زیارت» که مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات (حوزه‌های علمیه) در شهریورماه ۱۴۰۱ برگزار نموده است. در این مدرسه آیت‌الله سیدمحمد غروی «زیارت در سیره و سنت رسول خدا^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم}»، آیت‌الله علی نظری‌منفرد «تاریخچه و مبانی روایی و تاریخی زیارت اربعین»، حجت‌الاسلام‌والمسلمین رضا محمدی‌شاهرودی «اصول و مبانی پیاده‌روی برای زیارت»، حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدحسن نبوی «دشمن‌شناسی زیارت اربعین»، حجت‌الاسلام‌والمسلمین حمید احمدی «آثار فرهنگی و تمدنی زیارت اربعین»، حجت‌الاسلام‌والمسلمین احمد رهدار «زیارت اربعین وسیلهٔ ارتباط بین پیروان مذاهب مختلف اسلامی» و حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدجواد یاوری «آثار فردی و اجتماعی زیارت اربعین» مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. ضمن سپاس از اساتید نامبرده، از اهتمام حجت‌الاسلام محمدحسین پورامینی در تدوین این اثر صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نماییم.

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات
حوزه‌های علمیه

گفتار اول:

زیارت در سیره و سنت

رسول خدا ﷺ

سید محمد غروی

یکی از سنت‌هایی که از پیامبر و همچنین از ائمه معصومین علیهم‌السلام به ما رسیده است زیارت است. زیارت در اصل به معنای دیدار است^۱ که این دیدار گاهی اوقات نسبت به فردی است که در قید حیات است و گاهی اوقات در خصوص افرادی است که در قید حیات نمی‌باشند که در خصوص هر دو قسمت روایات زیادی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وارد شده است.

تأکید و توصیه زیارت و دیدار از مؤمنان که در قید حیات است معمولاً برای افراد تعجب‌آور نیست؛ اما سخن در جایی است که شخص از دار دنیا رفته که زیارت در این مورد برای بعضی از افراد قابل درک و فهم نیست و گمان می‌کنند که زمانی که فرد دنیا می‌رود دیگر ارتباطی با کسی ندارد؛ از این رو بالای سر او آمدن و زیارت کردن قبر او را بی‌فایده توصیف نموده‌اند؛ حتی در ارتباط با اولیای الهی همچون پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام نیز این مطلب بیان کرده‌اند؛ در حالی که اگر آنان حقیقت مرگ و جایگاه معصومین علیهم‌السلام را به درستی دریافت می‌نمودند این سخنان را به زبان نمی‌آوردند و این شبهه‌افکنی‌ها را مطرح نمی‌کردند.

حقیقت مرگ

حقیقت این است که این‌گونه نیست که انسان با مرگ، فانی گردد؛ بلکه مرگ به

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۳۳۵.

تعبیر قرآن کریم: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا»؛^۱ «خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض می‌کند»؛ بنابراین مرگ انتقال از یک عالمی به عالم دیگر است و این‌گونه نیست که انسان با مرگ تمام شود بلکه حقیقت مرگ این است که آن حقیقت انسان که روح آدمی است با مرگ از او گرفته می‌شود و او منتقل به عالم برزخ می‌گردد.

عالم برزخ

در عالم برزخ انسان‌ها در دسته‌های مختلفی دسته‌بندی می‌شوند، برخی از آنان که در عالم دنیا انسان‌هایی خوبی بوده‌اند در آنجا برایشان نعمت‌های خوبی فراهم شده و آنان از آن استفاده می‌نمایند و برخی مدت‌ها رها شده و گویا یک خواب‌سنگینی تا قیامت بر آن‌ها حاکم می‌گردد و برخی مورد عذاب واقع می‌شوند.

بنابراین این‌گونه نیست که انسان با مرگ همه چیز خود را از دست بدهد و از بین برود؛ چراکه این تفکر ناشی از یک تفکر مادی و طبیعی است که معتقد است که وقتی حقیقتی غیر از این ارگانیسم بر انسان حاکم نیست. با توقف این ارگانیسم، او نیز از بین رفته و دیگر مرداری بیش به شمار نمی‌رود از این امر تعبیر به نابودی می‌نمایند. درحالی‌که آیات قرآنی برخلاف این را گفته و بیان می‌کنند که «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ»؛^۲ «تا آن‌گاه که مرگ یکی از ایشان فرارسد» و

۱. زمر: ۴۲.

۲. مؤمنون: ۹۹.

سپس به عالم دیگر منتقل می‌شوند و از آنان سؤال می‌گردد که چرا شما در چنین وضعیتی هستید؟ و آنان در پاسخ یا عذرخواهی نموده و می‌گویند ما مستضعف بودیم و نمی‌توانستیم دین خود را حفظ نماییم. که قرآن آنان را مورد بازخواست قرار داده و می‌فرماید چرا هجرت نکردید؟!

«إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا»^۱ «کسانی که فرشتگان (قبض ارواح)، روح آنها را گرفتند، درحالی که به خویشتن ستم کرده بودند، به آنها گفتند: «شما در چه حالی بودید؟ (و چرا با اینکه مسلمان بودید، در صف کفار جای داشتید؟!)» گفتند: «ما در سرزمین خود، تحت فشار و مستضعف بودیم.» آن‌ها [= فرشتگان] گفتند: «مگر سرزمین خدا، پهناور نبود که مهاجرت کنید؟!» آن‌ها (عذری نداشتند) جایگاهشان دوزخ است و سرانجام بدی دارند».

خلاصه اینکه انسان با مرگ از بین نمی‌رود و او با مرگ به عالم دیگر مستقل می‌شود، این جسم است که از بین می‌رود و فانی می‌شود.

نکته قابل ملاحظه دیگر اینکه، روح آدمی اصولاً یک ارتباطی و علقه با بدن خویش و حتی با خاک خود دارد علت این امر چیست؟ که در پاسخ بیان می‌توان گفت از آنجایی که حدود پنجاه، شصت، هفتادسال با این بدن زندگی می‌کرده است در نتیجه هنگامی که او دفن می‌گردد این طور نیست که رابطه یا علاقه روح با بدن قطع و هیچ ارتباطی بین او، محل دفنش وجود نداشته باشد

بلکه براساس آنچه در روایات بیان شده هنگامی که انسان بالای سر کسی که از دنیا رفته است سلام می دهند آن‌ها می شنوند و حتی هنگامی که سر قبر آنان می رویم آنان خوشحال می شوند؛ براین اساس در روایات متعددی وارد شده است: وقتی مؤمنان به زیارت اهل قبور می روند، آن‌ها علم به حضورشان پیدا می کنند. از حضور مؤمنان بر سر قبور خود خوشحال می شوند و با آن‌ها اُنس می گیرند. وقتی که مؤمنان از کنار قبر آن‌ها دور می شوند، دچار وحشت می شوند.^۱

همه این موارد نشانگر این نکته است که بین روح و بدن و حتی جسد او ارتباط وجود دارد.

زیارت مؤمن در هنگام حیات

در خصوص زیارت مؤمنین در زمان حیات روایات متعددی در منابع دینی وارد شده است؛ پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرماید: «مَنْ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ إِلَى مَنْزِلِهِ لَا حَاجَةَ مِنْهُ إِلَيْهِ كُتِبَ مِنْ زُورِ اللَّهِ وَ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ زَائِرَهُ»؛^۲ «هرکس که به قصد نیازخواهی؛ بلکه به نیت دیدن برادر مؤمن خود به خانه او رود، از دیدارکنندگان خدا انگاشته شود و بر خدا است که دیدارکننده خود را گرامی دارد».

و نیز حضرت امیرالمؤمنین علیؑ می فرماید: «رَائِلُوا أَعْدَاءَ اللَّهِ وَ وَاصِلُوا

۱. وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۸۷۸.

۲. بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۱۸۹.

گفتار اول: زیارت در سیره و سنت رسول خدا(ص) ■ ۱۷

أَوْلِيَاءَ آلِهِ»؛^۱ «از دشمنان خدا جدا شوید (و از آنها فاصله بگیرید) و با دوستان خدا پیوند کنید».

این مربوط به زیارت مؤمن در زمان حیات است، زیارت باعث دوستی و مودت می‌شود و حتی در جای دیگر حضرت آثار مثبت دیگری را که در این رابطه است، بیان می‌کند.

زیارت اهل قبور

در خصوص زیارت کسانی که از دنیا رفته‌اند، روایات متعددی از پیامبر اکرم ﷺ و نیز سایر معصومین ﷺ و اولیاء الهی بیان شده است. رسول خدا ﷺ در خصوص زیارت خودشان می‌فرماید: «مَنْ أَتَانِي زَائِرًا كُنْتُ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛^۲ «کسی که به زیارت من آید من در روز قیامت شفیع او خواهم بود».

و در جایی دیگر می‌فرماید: «مَنْ سَلَّمَ عَلَيَّ فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَرْضِ أُبَلِّغْتَهُ وَ مَنْ سَلَّمَ عَلَيَّ عِنْدَ الْقَبْرِ سَمِعْتُهُ»؛^۳ «هرکه در هر نقطه‌ای از روی زمین به من سلام کند، سلامش به من می‌رسد و هرکه بر سر قبرم به من سلام کند، آن را می‌شنوم».

این روایت از رسول خدا ﷺ، بر این نکته تصریح دارد که سلام و زیارتی که انسان بر پیامبر ﷺ می‌نماید هرچند به حسب ظاهر ارتباط جسمانی نیست و در

۱. عبدالواحد بن محمد آمدی تمیمی، غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۹۳.

۲. کامل الزیارات، ج ۱، ص ۱۳.

۳. محمد بن حسن طوسی، الأمالی (طوسی)، ج ۱، ص ۱۶۷.

حقیقت ارتباط روحی است؛ اما در هر صورت این سلام به محضر آن حضرت می‌رسد.

پیامبر خدا ﷺ در پاسخ به حسن بن علی رضی الله عنه که عرض کرد: پدر جان! پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟ فرمودند:

«يَا بُنَيَّ مَنْ زَارَنِي حَيًّا وَ مَيِّتًا أَوْ زَارَ أَبَاكَ أَوْ زَارَ أَخَاكَ أَوْ زَارَكَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أُرْوَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأُخْلَصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ»؛^۱ «پسرم! هرکه زنده و مرده مرا یا پدرت یا برادرت و یا خودت را زیارت کند، بر من است که در روز قیامت دیدارش کنم و او را از گناهانش نجات دهم».

در یک بیان دیگر رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: «مَنْ زَارَ الْحَسَنَ فِي بَقِيْعِهِ ثَبَتَ قَدَمُهُ عَلَيَّ الصِّرَاطِ يَوْمَ تَرْتَلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ»؛^۲ «هرکه حسن را در بقیع زیارت کند، خداوند در آن روزی که پاها می‌لرزد، پای او را بر صراط استوار گرداند».

و یا ایشان از ثواب زیارت امام رضا رضی الله عنه این‌گونه خبر می‌دهد:

«سَتَدْفَنُ بَصْعَةً مِنِّي بِأَرْضِ خُرَاسَانَ لَا يَزُوْجُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْحَجَّةَ وَ حَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَيَّ النَّارِ»؛^۳ «زود باشد که پاره‌ای از تن من در خاک خراسان دفن شود. هیچ مؤمنی آن را زیارت نکند مگر آنکه خداوند عزوجل بهشت را بر او واجب و بدنش را بر آتش دوزخ حرام گرداند»؛ البته این طبعاً باید این مؤمن دارای شرایطی باشد که مشمول این لطف الهی قرار گیرد.

امام صادق رضی الله عنه همچنین می‌فرمایند: «مَنْ زَارَنَا فِي مَمَاتِنَا فَكَأَنَّمَا زَارَنَا فِي

۱. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی، علل الشرائع، ج ۵، ص ۴۶۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۴۱.

۳. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۲۵۷.

حَيَاتِنَا»؛^۱ «هرکه پس از مردنمان ما را زیارت کند، چنان است که در زمان حیاتمان زیارت کرده باشد».

د روایت دیگری می‌فرمایند: «إِنَّ إِلَى جَانِبِهَا [أَي جَانِبِ الْكُوفَةِ] قَبْرًا لَا يَأْتِيهِ مَكْرُوبٌ فَيُصَلِّي عِنْدَهُ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ إِلَّا رَجَعَهُ اللَّهُ مَسْرُورًا بِقَضَاءِ حَاجَتِهِ»؛^۲ «نزدیک کوفه قبری است که هر غم‌دیده‌ای آنجا رود و در کنار آن چهار رکعت نماز گزارد، خداوند با برآوردن حاجتش او را شادمان برگرداند».

و همچنین امام صادق^ع به نقل از رسول خدا^ص می‌فرمایند: «مَا بَيْنَ قَبْرِي وَ مِئْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ مِئْبَرِي عَلَى تُرْعَةٍ مِنْ تُرْعِ الْجَنَّةِ لِأَنَّ قَبْرَ فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا بَيْنَ قَبْرِهِ وَ مِئْبَرِهِ وَ قَبْرُهَا رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ إِلَيْهِ تُرْعَةٌ مِنْ تُرْعِ الْجَنَّةِ»؛^۳ «میان قبر و منبر من باغی از باغ‌های بهشت است و منبر من بر فراز آبراهه‌ای از آبراهه‌های بهشت است؛ چون قبر فاطمه^ع میان قبر رسول خدا و منبر اوست و قبر فاطمه باغی از باغ‌های بهشت است و یکی از آبراهه‌های بهشت به سوی آن است».

آنچه از این روایت استفاده می‌شود این است که، بین قبر و منبر جایگاه خاصی است که ویژگی منحصر به فردی دارد و آن راهی به راه‌های بهشت است.

پیاده‌روی برای زیارت امام حسین^ع

در خصوص زیارت امام حسین^ع روایات متعددی بیان شده است که به چند

۱. محمدبن محمد شعیری، جامع الأخبار، ج ۱، ص ۳۳.

۲. کامل الزیارات، ج ۱، ص ۱۶۹.

۳. معانی الأخبار، ج ۱، ص ۲۶۷.

نمونه از آنان اشاره می‌گردد:

امام صادق علیه السلام در خصوص ثواب کسی که امام حسین علیه السلام را با معرفت زیارت کند، می‌فرماید:

«مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حِجَّةٍ مُقْبُولَةٍ وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ مُقْبُولَةٍ، وَ غَفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ»؛^۱ «هرکس حسین علیه السلام را، با معرفت به حق و مقام او، زیارت کند خداوند ثواب هزار حج پذیرفته و هزار عمره پذیرفته را برایش بنویسد و گناهان گذشته و آینده او را ببخشد».

امام صادق علیه السلام در خصوص پیاده‌روی جهت زیارت امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يُرِيدُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنْ كَانَ مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ حَطَّ بِهَا عَنْهُ سَيِّئَةٌ حَتَّى إِذَا صَارَ بِالْحَائِرِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْمُفْلِحِينَ وَإِذَا قَضَى مَنَاسِكَهُ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَائِزِينَ حَتَّى إِذَا آزَادَ الْإِنْصِرَافَ أَنَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ لَهُ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ رَبُّكَ يُقْرِنُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ إِسْتَأْنِفَ الْعَمَلِ فَقَدْ غَفَرَ لَكَ مَا مَضَى».^۲

«هرکس از خانه‌اش به قصد زیارت حسین بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام بیرون آید، اگر پیاده باشد، خداوند، برای هر گامش حسنه‌ای را می‌نویسد و زشت‌کاری‌ای را از او می‌زداید و چون به حرم حسین علیه السلام رسید، خداوند، او را جزو رستگاران می‌نویسد و چون زیارتش را به پایان برده، خداوند، او را از رهایی‌یافتگان می‌نویسد و چون بخواهد بازگردد، فرشته‌ای نزد او می‌آید و به او می‌گوید: «من، پیام‌آور خدایم. خداوند، به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: عمل، از سر گیر که گذشته‌ات آمرزیده شد».

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۴۵.

۲. المزار، ص ۳۰.

ثواب زیارت امام حسین

در روایاتی که برای زیارت امام حسین نقل شده است ثواب‌هایی به ظاهر عجیب برای زائران بیان شده است؛ به‌طورمثال در یک روایت از امام صادق نقل شده که حضرت می‌فرماید: «وَكَلَّ اللَّهُ تَعَالَى بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ كُلَّ يَوْمٍ شُعْثًا غَيْرًا مِنْ يَوْمِ قُتِلَ إِلَيَّ مَا شَاءَ اللَّهُ يَعْني بِذَلِكَ قِيَامَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَدْعُونَ لِمَنْ رَأَاهُ وَ يَقُولُونَ يَا رَبِّ هُوَ لَأَمْ رُؤَاؤُا الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْعَلْ بِهِمْ وَ أَفْعَلْ بِهِمْ»؛^۱ «خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی موکل ساخته که هر روز بر او صلوات فرستاده و از روزی که آن حضرت شهید شدند تا زمانی که خدا می‌خواهد یعنی زمان قیام قائم ایشان ژولیده و غمگین می‌باشند، برای زائران حضرت دعا کرده و می‌گویند: پروردگارا، ایشان زائران حسین بوده با ایشان چنین و چنان نما».

در روایات دیگری که از برخی ائمه معصومین وارد شده است ملاحظه می‌کنیم که با اینکه خود آنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و از حیث مقام ولایت و امامت همگی در یک سطح می‌باشند و در حقیقت همگی نور واحد می‌باشند اما مشاهده می‌کنیم که مثلاً امام هادی هنگام بیماری از دو نفر از یارانش به نام‌های «ابوهاشم جعفری» و «محمدبن حمزه» می‌خواهند که به حائر حسینی یعنی حرم حسین رفته و برای شفای حضرت در حائر حسینی دعا کنند؛ زیرا که در حرم حسین دعا قرین اجابت است.^۲

۱. کامل الزیارات، ج ۱، ص ۳۸۹.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۴۲۲.

خلاصه اینکه براساس روایات بیان شده جایگاه زیارت معصومین علیهم السلام به ویژه سیدالشهدا علیه السلام در بین همه امامان روشن شد؛ البته باید بیان داشت علاوه بر معصومین علیهم السلام، زیارت برخی از امام زادگان همچون حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و حضرت عبدالعظیم حسینی علیه السلام نیز در روایات بدان سفارش شده است:

یکی از اهالی ری نزد امام هادی علیه السلام رفت. امام علیه السلام از وی پرسید: «کجا بودی؟» پاسخ داد: «امام حسین علیه السلام را زیارت کردم». امام فرمودند: «إِنَّكَ لَوْ زُرْتَ قَبْرَ عَبْدِ الْعَظِيمِ عِنْدَكُمْ لَكُنْتَ كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»^۱ «اگر قبر عبدالعظیم که نزد شما است را زیارت کنی، مانند کسی هستی که حسین علیه السلام را زیارت کرده است».

در سیره نبوی و سیره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نیز این گونه بود که به زیارت شهدای احد می رفتند و در نزد آنان دعا می کردند^۲؛ چراکه این گونه مکان ها از جاهایی بود که خداوند آن را دوست می داشت.

حقیقت زیارت

در خصوص مقوله زیارت قبور اموات گاهی اوقات ما صرفاً یک نگاه مادی به این مسئله داریم که در این صورت زیارت قبور اموات صرفاً جنبه احترام و نمادین به خود می گیرد؛ اما گاهی اوقات زیارت مقوله دینی و الهی است که مستند به ادله شرعی است که در این صورت دیگر زیارت صرفاً جنبه نمادین

۱. همان، ج ۱۴، ص ۵۷۵.

۲. کامل الزیارات، ج ۱، ص ۲۴.

ندارد؛ چراکه حقیقت این است که از یک سو این روح در عالم ارواح زنده است و از سوی دیگر ارتباط این روح با بدنی که همواره با او عبادت کرده و بدان علقه دارد وجود دارد؛ از این رو مشاهده می‌کنیم در روایات وارد شده که اموات توجه خاصی به قبورشان داشته به طوری که انتظار دارند که خویشان آنان بر سر مزارشان آمده و با آنان دیدار داشته باشند.^۱ از این سو نیز وقتی انسان بر سر قبر مؤمنین به ویژه کسانی که از مقامات معنوی بالایی برخوردار می‌باشند، می‌رود آنان نیز توجه خاصی به قبر خویش داشته و در نتیجه دعایی که انسان در کنار قبر ایشان می‌کند یا قرآنی که برای آنان می‌خواند به ارواح آنان رسیده و آنان را خوشحال می‌نماید و موجب انس آنان با انسان می‌گردد.

جایگاه زیارت امام حسین علیه السلام

اساساً زیارت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام از جایگاه خاصی برخوردار است، منتها زیارت امام حسین علیه السلام در این میان ویژگی خاصی دارد؛ به طوری که زیارت امام حسین علیه السلام از زیارت کعبه برتر توصیف نموده‌اند و آن را با ده‌ها حج یا صدها حج به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله مقایسه فرموده‌اند. در این خصوص روایتی از امام صادق علیه السلام خطاب به یکی از یارانش آمده است که فرموده‌اند: «... ای بشیر، فردی از شما بر کناره فرات، غسل می‌کند و با شناخت حق حسین علیه السلام به زیارت او می‌آید و خداوند، در برابر هر گامی که برمی‌دارد و می‌گذارد، یک صد حج مقبول و یک صد عمره نیکو و یک صد جهاد همراه با پیامبر فرستاده شده در برابر دشمنان

۱. محمدبن یعقوب کلینی رازی، الکافی، ج ۳، ص ۲۳۰.

خدا و پیامبرش، برایش می‌نویسد». ^۱ البته طبعاً مراد کفایت زیارت امام حسین علیه السلام از حج واجب نیست بلکه مراد برتری آن نسبت به حج مستحبی است.

توجه به شکوه مراسم اربعین

از نکات مهمی که در زیارت‌ها، به‌خصوص زیارت‌هایی که انسان به صورت پیاده انجام می‌دهد، این است که باید تلاش شود این مراسم‌ها به صورت باشکوه برگزار شود؛ چراکه این مراسم‌ها همچون پیاده‌روی اربعین موجب تثبیت عقاید انسان می‌گردد از این رو هرچه آدمی در راه امام حسین علیه السلام هزینه نماید گویا در راه خدا هزینه نموده است. این نکته مهم است که انسان برای آنچه آن را دوست دارد اگر هزینه نکند شاید آن‌طور که باید قدر آن را نمی‌داند؛ از این رو مشاهده می‌کنیم در مسیر کربلا با سختی و صرف هزینه بسیار، مشرف به این بارگاه ملکوتی می‌شود، این سختی‌ها و هزینه‌ها در تثبیت تولی او نسبت به امام معصوم علیه السلام و دین و مذهب نقش زیادی دارد.

آثار زیارت اربعین

از جمله آثار پیاده‌روی اربعین این است که انسان در عمل صبر و بردباری آموخته و یاد می‌گیرد که در راه خدا و در راه ولایت معصومین علیهم السلام، انسانی حلیم و صبور و شکیباً باشد که حاضر است از استراحت خویش بزند و برای رشد معنوی خویش هزینه نماید و در کنار آن حقایقی از جریان کربلا برای او تبیین

۱. کامل الزیارات، ج ۱، ص ۱۷۱.

گردد و برای او مشخص گردد چطور ممکن است ملتی به وجود آید که فرزند پیامبر خود را این گونه مورد بی مهری قرار داده و به شهادت برساند و بالآخره این موارد همگی مقابل دیدگان آدمی می آید و سبب می شود که با بررسی و مرور آنها آدمی عبرت بگیرد و بتواند برای سازندگی خویش تلاش نماید.

زیارت امام حسین علیه السلام در اربعین باعث می شود ثبات ایمانی انسان و تولی او نسبت به مقام ولایت سبب استحکام و استواری در دین گردد و غیر از اینکه موجب فراهم سازی زمینه هایی برای صبر و شکیبایی انسان در راه خدا می گردد، می تواند در سازندگی جنبه های معنوی انسان مؤثر واقع شود خصوصاً دعاهایی که در این رابطه در مسیر خوانده می شود یا اشک هایی که ریخته می شود یا خستگی هایی که در این مسیر پیدا می کند همه این ها مشمول الطاف حضرت حق قرار گرفته و می تواند در تکامل انسان مؤثر واقع گردیده و در دیگران اثرگذار باشد.

اربعین یکی از نشانه های ایمان

زیارت اربعین یکی از ویژگی ها و انحصارات خاص حضرت سیدالشهدا علیه السلام است

که از جمله نشانه های مؤمنان بیان شده است. امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید:

«عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّحَنُّمُ فِي
الْيَمِينِ وَ تَعْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛^۱
«نشانه های مؤمن، پنج چیز است: پنجاه و یک رکعت نماز [گزاردن در
شبانه روز]، زیارت اربعین، انگشتن به دست راست کردن، پیشانی بر خاک
نهدن و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم».

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۷۸.

این تأکید اهل بیت علیهم السلام مبنی بر زیارت اربعین، به جهت لزوم تلاش شیعه بر حفظ ت و حقانیت آن است، که در قالب زیارت اربعین و به‌ویژه در قالب پیاده‌روی اربعین می‌تواند تأثیرگذار باشد؛ چراکه ضمن اینکه جنبهٔ سمبولیک دارد می‌تواند دشمنان را در موضع انفعالی قرار داده و موجب بیمه شدن این مذهب گردد؛ از این‌رو زیارت اربعین از علامات مؤمن تلقی شده است.

گفتار دوم:

تاریخچه و مباحث روایہ و تاریخے
زیارت اربعین

علی نظری منفرد

مفهوم‌شناسی زیارت

زیارت به معنای حضور زائر نزد مزور است به این معنا که زیارت‌کننده، نزد زیارت‌شونده حضور پیدا می‌کند به صرف حضور زیارت اطلاق نمی‌شود؛ بلکه باید یک نکته دیگری در زیارت لحاظ شود تا بتوان عنوان زیارت را بر آن بار نمود و آن این است که به قصد تکریم انجام گیرد؛ بنابراین زیارت عبارت است از اینکه انسان، به قصد تکریم زیارت‌شونده برود به این عمل او زیارت گفته می‌شود که این امر اختصاص زندگان و مردگان ندارد. از این رو زیارت قبور یکی از امور است که در روایات بدان تأکید شده است که از جمله آن‌ها و حدیث نبوی ذیل است:

«زُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُدَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ»؛^۱ «به زیارت قبور بروید که این کار، شما را به یاد آخرت می‌اندازد».

«زُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا عِبْرَةً»؛^۲ «به زیارت قبرها بروید زیارت قبرها مایه عبرت است».

زیارت امری مرسوم در صدر اسلام

زیارت قبور امری رایج در بین مسلمانان از همان صدر اسلام بوده است

۱. علی بن حسام‌الدین متقی‌هندی، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۶۴۶، ح ۴۲۵۵۱.

۲. همان.

به طوری که پیامبر اکرم ﷺ بر سر قبر عموی خویش حمزهؓ و شهدای احد حاضر شده و آنان را زیارت نمودند و گاهی نیز به بقیع رفته و دیگر اموات را زیارت می کردند و حتی در روزهای آخر عمرشان به آنجا رفته آنان را مخاطب قرار داده و می فرمودند:

«السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ أَنْتُمْ لَنَا قَرُوطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبِعٌ»^۱ و «السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ أَنْتُمْ لَنَا قَرُوطٌ وَنَحْنُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِاحِقُونَ»؛ «سلام بر اهل دیار از مؤمنان و مسلمانان، شما پیشروان ما بودید و ما هم ان شاء الله به شما ملحق می شویم»؛ بنابراین زیارت امری مشروع بوده است؛ چراکه خود پیامبر به زیارت قبور را قولاً و فعلاً تأیید و تأکید کرده اند:

«مَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي وَكُنْتُ لَهُ شَهِيداً وَشَافِعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲؛ «هرکس مرا پس از وفاتم زیارت کند، مانند کسی است که مرا در زمان حیاتم زیارت کرده است و من در روز قیامت نسبت به این امر برای وی شهادت می دهم و شافع او خواهم بود».

«مَنْ زَارَنِي وَ لَمْ يَزُرْ عَمِّي حَمَزَةَ فَقَدْ جَفَانِي»^۳؛ «کسی که من را زیارت کند و اما عمویم حمزه را زیارت نکند به من جفا کرده است».

بنابراین با توجه به احادیث فراوانی که در باب زیارت وجود دارد، می توان گفت که زیارت امری مسلم بوده و احادیث این باب از تواتر برخوردار است و

۱. عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الإسناد، ج ۱، ص ۱۲۲.

۲. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ج ۱، ص ۱۳.

۳. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۱۹۸.

اینکه افرادی همچون ابن تیمیه زیارت پیامبر را انکار کرده است امر مردودی است.

صحابه رسول خدا ﷺ نیز سیره رسول الله را در خصوص زیارت ادامه داده‌اند. در روایات این گونه آمده است که حضرت صدیقه طاهره ﷺ بعد از رحلت حضرت رسول اکرم ﷺ بر سر مزار شهدای اُحد می‌رفت و در آنجا بر مزار حضرت حمزه سیدالشهدا گریه می‌کرد.

در حدیثی از امام صادق ﷺ نقل شده است:
«تَأْتِي قُبُورَ الشَّهَدَاءِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ مَرَّتَيْنِ الْإِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسَ فَتَقُولُ هَاهُنَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هَاهُنَا كَانَ الْمُشْرِكُونَ»؛^۱ «حضرت فاطمه ﷺ هفته‌ای دوبار در روزهای دوشنبه و پنجشنبه به زیارت شهدای احد می‌رفت و آن‌ها را زیارت می‌کرد و محل جنگ رسول خدا ﷺ با مشرکین را دقیقاً نشان می‌داد».

امیرالمؤمنین علی ﷺ در بازگشت از صفین و هنگام نزدیک شدن به قبرستان کوفه فرمود:

«يَا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوحِشَةِ وَالْمَحَالِّ الْمُفْجِرَةِ وَالْقُبُورِ الْمُظْلِمَةِ يَا أَهْلَ التَّرْبَةِ
يَا أَهْلَ الْغُرْبَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْدَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْشَةِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ سَابِقٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ
تَبِعٌ لَاحِقٌ أَمَا الدُّورُ فَقَدْ سَكَنْتُ وَأَمَا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نَكِحْتُ وَأَمَا الْأَمْوَالُ فَقَدْ
قَسَمْتُ هَذَا خَيْرٌ مَا عِنْدَنَا فَمَا خَيْرٌ مَا عِنْدَكُمْ ثُمَّ انْتَفَتْ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ
أَمَا لَوْ أَدْنَى لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَأَخْبَرْتُكُمْ إِنَّ خَيْرَ الرِّزَادِ اتَّقَوِي».^۲

«ای خفتگان خانه‌های تنهایی و جاهای خشک و خالی و گورهای ظلمانی!

۱. محمدبن حسن حرعاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۳، ص ۲۲۳.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۸۰.

ای خاک‌نشینان، ای ساکنان دیار غربت، ای تنه‌اشدگان، ای بی‌همدمان! شما پیش از ما رفتید و ما نیز در پی شما آمده به شما خواهیم پیوست؛ اما خانه‌هایتان! دیگران در آن سکونت گزیدند؛ اما زنانتان! با دیگران ازدواج کردند و اما اموال شما! در میان دیگران تقسیم شد! این خبری است که ما داریم؛ حال شما چه خبر دارید؟ امام سپس رو به یاران خود کرد و فرمود: بدانید که اینان اگر اجازه سخن گفتن داشتند، به شما خبر می‌دادند که: بهترین ره‌توشه، تقوا است».

چنانچه ملاحظه می‌نمایم حضرت این عبارت اموات را مورد خطاب قرار داده و با آنان صحبت نموده است بنابراین اگر اموات نمی‌شنیدند این سخنان بی‌معنا بود و همچنین چنانچه ملاحظه می‌شود حضرت در پایان فرمایش‌شان می‌فرمایند: «لَوْ أُذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَأَخْبَرُوكُمْ إِنَّ خَيْرَ الرِّزَادِ التَّقْوَى» حضرت در این عبارت نفرمودند آنان نمی‌فهمند بلکه می‌فرمایند: «اگر اجازه سخن گفتن داشتند، به شما خبر می‌دادند که: بهترین ره‌توشه، تقوا است» نکته‌ای که خداوند متعال در سوره بقره بر آن تأکید دارند: «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الرِّزَادِ التَّقْوَى».^۱

بنابراین براساس ادله بیان‌شده اصل مسئله زیارت یک امر مشروع و مسلم در میان مسلمانان در صدر اسلام بوده و آنان به این مهم اهتمام می‌ورزیدند؛ بنابراین مسئله زیارت امری قابل انکار نیست و همواره مورد تأکید بوده است.

زیارت امام حسین علیه السلام

در روزهای مختلفی از ایام سال همچون شب جمعه،^۱ نیمه شعبان،^۲ روز عرفه، زیارت عاشورا^۳ و زیارت اربعین^۴ برای زیارت امام حسین علیه السلام سفارش شده است؛ اما در این بین سؤال اصلی این است که چرا زیارت اربعین امام حسین علیه السلام آن قدر حائز اهمیت است؟

در پاسخ به این موضوع چند نکته قابل ذکر است:

۱. کامل الزیارات، ص ۱۱۳؛ صفوان جمّال روایت کرده است: وقتی امام صادق (ع) به حیره (منطقه‌ای در کوفه) تشریف آوردند به من فرمودند: «آیا مایل به زیارت قبر حسین (ع) هستی؟» گفتم: فدایت شوم آیا قبر آن حضرت را زیارت می‌کنی؟ آن حضرت فرمود: «چگونه آنرا زیارت نکنم و حال آن‌که خداوند متعال در هر شب جمعه با فرشتگان و پیامبران و اوصیا به زمین هبوط کرده و او را زیارت می‌کنند؛ البتّه حضرت محمّد (ص) برترین پیامبران و ما برترین اوصیاء هستیم.
۲. همان، ص ۱۸۲؛ احمد بن محمّد بن ابی نصر بزنطی می‌گوید: از حضرت امام رضا (ع) پرسیدم: در چه ماهی حضرت امام حسین (ع) را زیارت کنیم؟ آن حضرت فرمود: «در نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان».
۳. همان، ص ۱۷۴؛ در روز عاشورا خدمت امام صادق (ع) رسیدم، آن حضرت به من فرمود: «این گروه (زائرین ابا عبدالله الحسین) زائران خدا بوده و بر او واجب است که زائر را اکرام نماید، کسی که نزد قبر مطهر حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) در شب عاشورا بیتوته نماید، روز قیامت خدا را ملاقات می‌کند در حالی که به خون خودش آلوده بوده گویا در رکاب حضرت ابا عبدالله (ع) در سرزمین کربلا شهید گشته است. و کسی که قبر امام حسین (ع) را روز عاشورا زیارت کرده و بالای قبر بیتوته نماید مثل کسی است که در مقابل آن حضرت شهید شده باشد.
۴. شهید اول محمد بن مکی عاملی، المزار، ص ۵۳؛ در روایتی امام حسن عسکری (ع) یکی از نشانه‌های مؤمن را، زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین شمرده‌اند.

نکته اول اینکه بنابر روایت رسیده، بعد از شهادت امام حسین علیه السلام آسمان گریست و خون گریه کرد.

حضرت زینب علیها السلام در بیانات خود خطاب به اهل کوفه و سرزنش آنها فرمودند:

«أَفَعَجِبْتُمْ أَنْ تُمَطِّرَ السَّمَاءُ دَمًا، وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَى وَ هُمْ لَا يُنْصَرُونَ»؛^۱
 «آیا تعجب می کنید که از آسمان قطره های خون بر زمین می چکد؟ اما بدانید که خواری و عذاب رستاخیز سخت تر خواهد بود و برای شما یار و کمک رسانی نخواهد بود».

کتاب تاریخ آنگلوساکسون (Anglo-Saxon Chronicle) یکی از مهم ترین اسناد تاریخی است که از دوران قرون وسطی به جای مانده است. ماجرای خون باریدن آسمان انگلیس در روز عاشورای سال ۶۱۰ ق اشاره نموده و می گوید: این سال سالی بود که در آن در سرتاسر بریتانیا باران خون بارید و شیرها و کره ها، همه مبدل به خون (خونین) شدند.

امام صادق علیه السلام خطاب به زراره می فرماید:

«يَا زُرَّارَةُ إِنَّ السَّمَاءَ بَكَتْ عَلَى الْحُسَيْنِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالدِّمِّ»؛^۲ «ای زراره! آسمان چهل روز، در سوگ حسین بن علی علیه السلام گریه کرد».

از روایت امام صادق علیه السلام استفاده می شود که گریه آسمان تا چهل روز ادامه داشته است و شاید یکی از خصوصیات راجع به اربعین این نکته باشد. امام باقر علیه السلام در مورد آیه «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ»^۳

۱. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۶۲.

۲. همان، ج ۴۵، ص ۲۰۶.

۳. دخان: ۲۹.

فرمودند: «قَالَ لَمْ تَبَكِ السَّمَاءُ عَلَى أَحَدٍ قَبْلَ قَتْلِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ بَعْدَهُ حَتَّى قُتِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَكَتْ عَلَيْهِ»؛^۱ «آسمان و زمین تا قبل از مرگ یحیی بن زکریا بر کسی گریه نکرد تا اینکه حسین علیه السلام کشته شد و بر او نیز گریه کرد».

شبهات‌های میان حضرت سیدالشهدا علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام فراوان است از جمله اینکه هر بزرگوار شش ماهه به دنیا آمدند، هر دو بزرگوار، قبلاً همنامی نداشته‌اند، هر دو به شهادت رسیده‌اند، هر دو بزرگوار سر بریده شدند.

امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: ما همراه امام حسین علیه السلام به سوی کربلا بیرون آمدیم، امام، در هر مکانی وارد می‌شدند و یا از آن کوچ می‌کردند، یادی از حضرت یحیی علیه السلام و قتل او می‌نمودند و می‌فرمودند: «فَمَا نَزَلَ مُنْزِلًا وَلَا اِزْتَحَلَ مِنْهُ إِلَّا وَ ذَكَرَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ يَوْمًا مِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّ رَأْسَ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا أُهْدِيَ إِلَيَّ مِنْ بَعَايَا بَنِي إِسْرَائِيلَ»؛^۲ «در بی‌ارزشی دنیا نزد خدا همین بس که سر یحیی بن زکریا را به‌عنوان هدیه به سوی فرد بی‌عفتی از بی‌عفت‌های بنی اسرائیل بردند».

سَرَّ اَرْبَعِينَ حَسِينِي

شاید یکی از حکمت‌های وجود اربعین برای امام حسین علیه السلام این باشد که سر مقدس امام حسین علیه السلام توسط امام سجاده علیه السلام در اربعین به کربلا آورده شد و به بدن

۱. بحارالأنوار، ج ۱۴، ص ۱۸۳.

۲. همان، ج ۱۴، ص ۱۷۵.

مظهر ملحق گردید و جابر بن عبدالله انصاری نیز در اربعین حسینی به زیارت امام حسین علیه السلام شتافت.

دلایل دیگری نیز علاوه بر این ممکن است در اهمیت زیارت اربعین وجود داشته باشد که این زیارت از علائم مؤمن شمرده است زیارتی که امام صادق علیه السلام آن را به صفوان جمال یاد دادند و این گونه آغاز می شود:

«السَّلَامُ عَلَيَّ وَلِيِّ اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ السَّلَامُ عَلَيَّ خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيِّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِيِّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَيَّ أُسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَ ابْنُ وَلِيِّكَ وَ صَفِيُّكَ وَ ابْنُ صَفِيِّكَ...»^۱ «سلام بر ولی خدا و حبیب او! سلام بر خلیل خدا و نجیب او! سلام بر برگزیده خدا و فرزند برگزیده او! سلام بر حسین مظلوم شهید! سلام بر اسیر غم‌های جانکاه و کشته اشک‌ها...».

مجموعه ادله فوق نشان می دهد که اربعین از ابتدا مورد توجه ائمه علیهم السلام بوده است و اهل بیت علیهم السلام و جابر و برخی دیگر حتی از بنی هاشم در اربعین حسینی بر سر مرقد مظهر امام حسین علیه السلام حضور یافته و آن را زیارت نموده اند.

زیارت اربعین یکی از پنج نشانه مؤمن

از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّحْتُمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛^۲ «نشانه‌های مؤمن، پنج چیز است: پنجاه‌ویک

۱. همان، ج ۹۸، ص ۳۳۱.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۷۸.

رکعت نماز [گزاردن در شبانه‌روز]، زیارت اربعین، انگشتر به دست راست کردن، پیشانی بر خاک نهادن و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم».

در خصوص زیارت اربعین که در حدیث فوق بیان شده است، باتوجه به قراین بیان شده در روایت که آن موارد دیگری که نشانه مؤمن ذکر شده است، باید گفت که مراد از آن زیارت امام حسین علیه السلام است.

و این نکته تأکید می‌شود که با توجه به فرمایش امام صادق علیه السلام خطاب به صفوان جمال که شیوه زیارت اربعین را به او تعلیم دادند و به او می‌فرمایند: «وَاذْكُرْ لِي مَهْجَتَهُ فَيَا لَيْسَتْ بِكَ عِبَادَتِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ خَيْرَةُ الصَّلَاةِ»^۱.

چنانچه ملاحظه می‌کنیم زیارت در شیعه فقط تکریم مزور نیست؛ بلکه زیارت‌هایی همچون زیارت اربعین مجموعه‌ای از معارف است که فلسفه قیام امام حسین علیه السلام را نشان داده و بیان می‌کند که چطور ایشان وجود خود و عزیزانش را در طبق اخلاص گذاشته و به پیشگاه الهی تقدیم نموده است به تعبیر زیبایی از امام صادق علیه السلام در زیارات اربعین نقل شده که «بَدَّلَ مَهْجَتَهُ»؛ جدم حسین خون قلب خود را در راه تو داد، «لَيْسَتْ بِكَ عِبَادَتِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ»؛ تا بندگان تو را از جهل نجات دهد؛ «خَيْرَةُ الصَّلَاةِ»؛ و آن‌ها را از سرگردانی ناشی از ضلالت و گمراهی برهاند.

جابر بن عبدالله انصاری و زیارت اربعین

روز اربعین بنا بر آنچه در منابع تاریخی نقل می‌کنند جابر بن عبدالله انصاری از

۱. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۳۱.

صحابه رسول خدا ﷺ و یاران با وفای اهل بیت ﷺ است. پدرش عبدالله بن عمرو بن حرام انصاری از پیشگامان دعوت پیامبر برای هجرت به مدینه است. عبدالله بن عمرو در بیعت عقبه (در مکه) حضور داشت. در جنگ بدر و احد نیز در رکاب رسول خدا شرکت جست و در جنگ احد به شهادت رسید.

در هنگام وقوع حادثه کربلا و شهادت امام حسین ﷺ، جابر پیرمردی سالخورده بود و در مدینه اقامت داشت. در اربعین شهادت امام حسین ﷺ، جابر به همراه عطیه عوفی که از اصحاب امیرالمؤمنین علی ﷺ و مفسر قرآن بود برای زیارت امام حسین ﷺ به کربلا رفت و اولین زائر آن امام بود^۱

وی که آن هنگام نابینا شده بود، در رود فرات غسل کرد، خود را خوشبو ساخت و گام‌های کوچک برداشت با راهنمایی «عطیه» از اصحاب امیرالمؤمنین ﷺ و مفسر قرآن، تا سر قبر حسین بن علی ﷺ آمد، دست روی قبر نهاد و بی هوش شد وقتی به هوش آمد، سه بار گفت: یا حسین! سپس گفت: «حَبِيبٌ لَا يُجِيبُ حَبِيبَهُ...» (دوست پاسخ دوستش را نمی‌دهد...؟!) آنگاه زیارتی خواند و روی به سایر شهدا کرد و فرمود:

... وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لَقَدْ شَارَكْنَاكُمْ فِيمَا دَخَلْتُمْ فِيهِ...^۲ «سوگند به خدایی که محمد را به حق برای پیامبری برانگیخت، ما با شما شهیدان در راهی که وارد شده‌اید، شریکیم!».

عطیه که این سخن را شنید، با شگفتی پرسید: «چگونه ما شریک آن‌ها هستیم، بآنکه (برای یاری حسین ﷺ) نه فراز و نشیبی را پیمودیم و نه شمشیری

۱. محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعجد، ص ۷۸۷.

۲. بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۳۰.

زدیم، درحالی که اینان، به شهادت رسیدند؟

جابر پاسخ داد: «یا عَطِيَّةُ! سَمِعْتُ حَبِيبِي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حُسْرًا مَعَهُمْ وَ مَنْ أَحَبَّ عَمَلَ قَوْمٍ أُشْرِكَ فِي عَمَلِهِمْ» وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ نَبِيَّتِي وَ نَبِيَّةَ أَصْحَابِي عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ وَ أَصْحَابُهُ؛ (ای عطیه! از حبیبم رسول خدا شنیدم که می فرمود: «هرکس گروهی را دوست داشته باشد در قیامت با آنان محشور خواهد شد و هرکس عمل گروهی را دوست داشته باشد، در عمل آن‌ها شریک است». سوگند به خدایی که محمد را به حق برای رسالت برانگیخت، [اگر من بر اثر ناتوانی نتوانستم همراه امام حسین ﷺ باشم]، ولی نیت و خواسته من و یارانم، بر همان مسیری است که حسین ﷺ و یارانش پیموده اند».

آنان می دانستند که زیارت امام حسین ﷺ چه ثوابی و آثار و برکاتی دارد، انسان وقتی که حضور پیدا می کند کنار قبر سیدالشهدا ﷺ در یک روایتی خاطر م هست که ابن قولویه در کامل الزیارات نقل کرده است که امام ﷺ می فرماید: «مَوْضِعُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ﷺ مُنْذُ يَوْمِ دُفِنَ فِيهِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ» جایگاه قبر حسین ﷺ از زمانی که در آن به خاک سپرده شد، به باغی از باغ‌های بهشت تبدیل شد.

خداوند متعال به حسین ﷺ در برابر کشته شدنش سه پاداش عنایت نمود: «أَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ وَ الشَّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ وَ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ وَ لَا تُعَدُّ أَيَّامٌ زَائِرِيهِ جَائِيًّا وَ رَاجِعًا مِنْ عُمْرِهِ»؛^۱ «که امامت در فرزندانش و شفا در خاکش و اجابت دعا در نزد قبرش باشد و اینکه روزهایی که زائرانش [برای زیارت] می آیند و می روند از عمرشان محسوب نمی گردد».

در این رابطه ابوهاشم جعفری می گوید که من خدمت حضرت هادی ﷺ بودم

۱. همان، ج ۴۴، ص ۲۲۱.

حضرت بیمار شده بودند به من فرمودند: «ای اباهاشم شخصی از دوستان ما را به حائر بفرست تا برایم دعا کند»، از نزد آن حضرت بیرون آمدم در این هنگام با علی بن بلال مواجه شدم فرمایش حضرت را برایش بازگو نموده و از وی راجع به شخصی که حضرت فرموده‌اند درخواست کرده و جویا شدم.

علی بن بلال گفت: شنیدم و اطاعت می‌کنم ولی می‌گویم: حضرت خودشان از حائر افضل و برتر هستند زیرا ایشان به منزله کسی است که در حائر است (یعنی حضرت سیدالشهدا) و دعای آن جناب برای خودشان افضل و برتر است از دعای من برای ایشان در حائر. من محضر امام ع مشرف شده و حرف علی بن بلال را خدمتش عرض کردم، حضرت به من فرمودند: به او بگو: رسول خدا از بیت و حجرالأسود افضل بودند ولی در عین حال دور بیت طواف می‌کرده و حجرالأسود را استلام می‌فرمودند، خداوند متعال بقاع و مواضعی دارد که می‌خواهد در آنجاها خوانده شود تا دعای دعاکننده را مستجاب فرماید و حائر از جمله این مواضع است.^۱

و این روایت نشان‌دهنده ترغیب و تأکید ائمه ع به زیارت امام حسین ع است.

۱. کامل الزیارات، ص ۲۷۴؛ أَبُو هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيُّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) وَ هُوَ مَحْمُومٌ غَلِيْلٌ فَقَالَ لِي يَا أَبَا هَاشِمٍ ابْعَثْ رَجُلًا مِنْ مَوَالِينَا إِلَى الْحَائِرِ يَدْعُو اللَّهَ لِي فَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ فَاسْتَقْبَلَنِي عَلِيُّ بْنُ بِلَالٍ فَأَعْلَمْتُهُ مَا قَالَ لِي وَ سَأَلْتُهُ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ الَّذِي يَخْرُجُ فَقَالَ السَّمْعَ وَ الطَّاعَةَ وَ لَكِنِّي أَقُولُ - إِنَّهُ أَفْضَلُ مِنَ الْحَائِرِ إِذْ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ فِي الْحَائِرِ وَ دَعَاؤُهُ لِنَفْسِهِ أَفْضَلُ مِنْ دُعَائِي لَهُ بِالْحَائِرِ فَأَعْلَمْتُهُ (ع) مَا قَالَ فَقَالَ لِي قُلْ لَهُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَفْضَلَ مِنَ الْبَيْتِ وَ الْحَجَرِ وَ كَانَ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَ يَسْتَلِمُ الْحَجَرَ وَ إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى بِقَاعًا يُحِبُّ أَنْ يُدْعَى فِيهَا فَيَسْتَجِيبَ لِمَنْ دَعَاهُ وَ الْحَائِرُ مِنْهَا.

دعای امام صادق علیه السلام برای زائران حسینی

امام صادق علیه السلام در روایت صحیح‌ه‌ای که در کتاب زیارت و مثل زیارت، کتب زیارت مثل کتاب الزیارات مشهدی صباح کفعمی مصباح شیخ طوسی و زیارت اربعین و زیارت‌های دیگر رسیده است، برای زائران حسینی این‌گونه دعا می‌فرماید:

«...اللَّهُمَّ إِنَّ أَعْدَاءَنَا عَابُوا عَلَيْهِمْ بِخُرُوجِهِمْ فَلَمْ يَنْهَهُمْ ذَلِكَ عَنِ الشُّحُوصِ إِلَيْنَا - خِلَافًا مِنْهُمْ عَلَيَّ مَنْ خَالَفَنَا فَأَرْحَمَ تِلْكَ الْوُجُوهُ الَّتِي غَيَّرَتْهَا الشَّمْسُ وَإِرْحَمْ تِلْكَ الْخُدُودَ الَّتِي تَتَقَلَّبُ عَلَيَّ حَضْرَةَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِرْحَمْ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا وَإِرْحَمْ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَاحْتَرَقَتْ لَنَا وَإِرْحَمْ تِلْكَ الصَّرْحَةَ الَّتِي كَانَتْ لَنَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ تِلْكَ الْأَبْدَانَ وَ تِلْكَ الْأَنْفُسَ حَتَّى تُؤَيِّقَهُمْ عَلَيَّ الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطَشِ الْأَكْبَرِ»^۱

«خدایا دشمنان ما به واسطه زیارت امام حسین علیه السلام آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار دادند ولی این حرکت دشمنان ایشان را از تمایل به ما باز نداشت و این ثبات آنان از باب دشمنی آنان با مخالفین ما است، پس تو این صورت‌هایی که حرارت آفتاب آنها را در راه محبت ما تغییر داده مورد ترحم خودت قرار بده و نیز صورت‌هایی را که روی قبر ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام می‌گذارند و بر می‌دارند مشمول لطف و رحمتت قرار بده و همچنین به چشم‌هایی که از باب ترحم بر ما اشک ریخته‌اند نظر عنایت فرما و دل‌هایی که برای ما به جزع آمده و به خاطر ما سوخته‌اند را ترحم فرما، بار خدایا به فریادهایی که به خاطر ما بلند شده برس،

خداوندا من این ابدان و این ارواح را نزد تو امانت قرار داده تا در روز عرش اکبر که بر حوض کوثر وارد می‌شوند آنها را سیراب نمایی».

اربعین، شعاری از شعائر مهم اسلامی

در روایتی از امام سجاد^ع آمده است که ایشان بیان می‌کنند که روزی در کربلا درهای غم و محنت و مصائب به روی ما باز شد. من پدرم را کشته و آغشته در خاک و خون دیدم. برادران و پسرعموها و فرزندان پدرم را شهید و مقتول مشاهده کردم و زنان و خواهرانم را مانند اسیران ترک و روم ملاحظه کردم. این مصائب و حوادث چنان بر من سخت و دشوار و سنگین آمد که سینه من در فشار قرار گرفت، نزدیک بود جان از بدن من بیرون برود.

عمه‌ام وقتی مرا به این حال دید گفت: «مَا لِي أَرَاكَ تَجُودُ بِنَفْسِكَ يَا بَقِيَّةَ جَدِّي وَ أَبِي وَ إِخْوَتِي» تو را چرا می‌بینم که با جان خودت بازی می‌کنی ای یادگار جد و پدر و برادرانم؟ به عمه گفتم: «وَ كَيْفَ لَا أَجْزَعُ وَ أَهْلَعُ» چگونه جزع نکنم؟ «وَ قَدْ أَرَى سَيِّدِي وَ إِخْوَتِي وَ عُمُومَتِي وَ وُلْدَ عَمِّي وَ أَهْلِي مُضَرَّجِينَ بِدِمَائِهِمْ مُرْمَلِينَ بِالْعَرَاءِ مُسَلَّبِينَ» چرا جزع نکنم؟ می‌بینم آقای من، برادران من، عموهای من، فرزندان عموهای من و اهل من به خونشان غلتیدند، روی زمین افتاده‌اند، بدنشان در بیابان سوزان قرار دارد، کسی به آنان رحم نمی‌کند و به این بدن‌ها نزدیک نمی‌شود. عمه مرا دلداری داد و از آباد شدن آینده کربلا خبر داد...^۱

ما امروزه مشاهده می‌کنیم که علی‌رغم محدودیت‌ها و ممنوعیت زیارت امام

۱. بحارالأنوار، ج ۴۵، ص ۱۷۹.

حسین علیه السلام در طول تاریخ چه از زمان خلفای اموی و عباسی تا زمان صدام اما ملاحظه می‌کنیم که خدا می‌خواهد روزبه‌روز عظمت امام حسین علیه السلام افزوده شود و به تعبیر حضرت زینب علیها السلام «وَيُنْصَبُونَ لِهَذَا الطِّفِّ عِلْمًا لِقَبْرِ أَبِيكَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ لَا يَدْرُسُ أَثَرُهُ وَلَا يَغْفُو رَسْمُهُ عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ»؛^۱ «در این سرزمین بر مرقد پدرت حسین علیه السلام پرچمی به اهتزاز درمی‌آید که هیچ‌گاه کهنه نشود و در گذر زمان گزندگی به آن نرسد و سردمداران کفر هرچه در محو آن تلاش کنند، روزبه‌روز بر عظمت آن افزوده شود».

امروزه اربعین و پیاده‌روی آن تنها به مسلمان‌ها اختصاص ندارد؛ بلکه مشاهده می‌کنیم که از دیگر مذاهب و نه‌تنها از گوشه و کنار عراق بلکه از اقصا نقاط جهان در این پدیدهٔ میلیون‌نوی شرکت می‌نمایند و این یک حرکت الهی است؛ چراکه او برای خدا فداکاری و ایثار نموده و خدا نیز یاد او را همواره بزرگ خواهد داشت از این رو رسول‌خدا می‌فرماید: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا»؛^۲ «برای شهادت حسین علیه السلام، حرارت و گرمایی در دل‌های مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمی‌شود».

۱. کامل‌الزیارات، ص ۲۶۰؛ بحارالأنوار، ج ۴۵، ص ۱۷۹.

۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

گفتار سوم:

اروپین ومسئلہ دشمن شناسی

محمد حسن زمانی

در خصوص موضوع دشمن‌شناسی در زیارت اربعین لازم است چند نکتهٔ مقدماتی بیان و سپس به فرازهایی از زیارت اربعین بپردازیم.

نکتهٔ اول اینکه در جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم یا از اول آفرینش انسان همواره این‌گونه بوده است که یک دسته پیام‌ها و مطالبی که برای مردم مطرح می‌کردند که گاهی این مطالب حق و ارزشمند بوده و موجب نجات انسان‌ها می‌گردید و برخی نیز همین شعارها را با نیت بد و با نیت سوء مطرح می‌کردند؛ بنابراین می‌توان گفت که در طول تاریخ از گذشته تاکنون شناخت دوست از دشمن کار سختی بوده است.

نکتهٔ دوم اینکه یک دسته انسان‌های مصلح در طول تاریخ بشریت وجود داشته‌اند که دم از اسلام می‌زدند و در مقابل یک دسته آدم‌های مفسد وجود داشته‌اند که آن‌ها نیز ادعای اصلاح‌گری داشتند! امروزه ملاحظه می‌کنید که در دنیا امروزی که جنایتکارترین انسان‌ها که مرتکب قتل هزاران انسان می‌شوند آن را با ادعای اصلاح‌گری توجیه نموده و با طرح یک سری شعارهای مقبول همگان خود را به‌شدت مدافع حقوق بشر توصیف می‌کنند.

پیامبران، مصلحان واقعی

وقتی تاریخ پیامبران را ملاحظه می‌کنیم، می‌بینیم که معمولاً پیامبران این‌گونه بیان نمودند که «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

وَالَيْهِ أُتِيْبُ»؛^۱ «من جز اصلاح - تا آنجا که توانایی دارم - نمی خواهم! و توفیق من، جز به خدا نیست! بر او توکل کردم؛ و به سوی او باز می گردم!».

چنانچه در آیه شریفه ملاحظه می شود حضرت شعیب خطاب به قوم خود می گوید که به خدا توکل کردم؛ و به سوی او باز می گردم! من هیچ اراده ای به جز اصلاح ندارم و در حد توانم تلاش می کنم که اصلاح انجام بشود اما سؤالی که مطرح است این است که چرا ایشان می فرماید «در حد توان»؟

در پاسخ باید گفت که به دلیل این است که انسان ها مختارند و خدا می خواسته این موجود مختار باقی بماند و در بین این ها افرادی که از این اختیار سوءاستفاده نمایند فراوان است و اساساً مشیت الهی به این نبوده که همه آدمیان خوب باشند؛ چراکه اگر چنین بود همه را همانند ملائکه می آفرید تا خطا نکنند؛ از این روست که می فرماید: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ»؛^۲ «و اگر پروردگارت می خواست، همه مردم را یک امت (بدون هیچ گونه اختلاف) قرار می داد؛ ولی آنها همواره مختلف اند».

بنابراین تلاش پیامبران برای اصلاح جامعه در حد توان آنان است و هیچ کسی نمی تواند در طول تاریخ این گونه ادعا نماید که «من جامعه را آن گونه می سازم که هیچ مشکلی در این جامعه وجود نداشته باشد».

پیامبران الهی همیشه بر اصلاح جامعه تلاش می نمودند و در مقابل آنان دشمنانی از قبیل کفار و منافقین بودند که مدعی اصلاح بودند حتی شیطان نیز هنگامی که با حضرت آدم و حضرت حواری و به رو شد، بیان داشت که: «إِنِّي لَكُمَا

۱. هود: ۸۸.

۲. هود: ۱۱۸.

لَمِنَ النَّاصِحِينَ»؛^۱ «یقیناً من برای شما از خیر خواهانم» و همچنین شیطان خطاب به آدم می‌گوید: «يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ»؛^۲ «ای آدم! آیا می‌خواهی تو را به درخت زندگی جاوید و ملکی بی‌زوال راهنمایی کنم». از این رو از آنجاکه شیطان مصلح واقعی نبود هنگامی که آنان به حرف او گوش دادند، این امر موجب اخراج آنان از بهشت شد.

لزوم شناخت دوست از دشمن

لازم است دوست و دشمن را بشناسیم تا بتوانیم بین شعار حقیقی و غیر حقیقی و فریب‌کارانه تفکیک دهیم. امروزه مشاهده می‌کنیم که برخی از دشمنان اعم از برخی اروپایی‌ها گرفته تا آمریکایی‌ها با شعار فریبنده و دروغین همچون حقوق بشر، زنان، کارگران، دفاع از حقوق کودکان و... در از بین بردن عزت و استقلال کشور تلاش دارند؛ این موارد بهانه‌ای بیش نیست. آنان همواره در قبال جنایات کشورهای چون رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی، میانمار و... سکوت کرده‌اند! و حتی از آنان دفاع نیز می‌کنند؛ ولی اقدامات ایران را خلاف حقوق بشر توصیف می‌کنند!

به نظر می‌رسد در دنیای امروز علیه هیچ کشوری همچون ایران یک نظام تبلیغاتی و جنگ روانی به این شکل صورت نگرفته است؛ پس همواره نه تنها لازم است به شعارها توجه شود؛ بلکه باید پشت پرده‌های این موارد نیز ملاحظه

۱. اعراف: ۲۱.

۲. طه: ۱۲۰.

گردد. همچنین لازم است ملاحظه نماییم که آیا کسانی که شعارهایی می دهند آیا واقعاً دلسوز ملت ایران هستند یا غارتگران ملت ایران بوده اند! از این رو اگر پشت پرده شعارها ملاحظه شود مسئله حل خواهد شد؛ مثلاً در خصوص مقوله حجاب و بی حجابی ملاحظه می کنیم که بعضی از تئوریسین های غربی توصیه کرده اند که برای اینکه ایران اسلامی را از پا دریاوریم یک از شیوه، این است که دامن های خانم ها را کوتاه تر نموده تا جوان های آنان فاسد گردند که به دنبال آن جوانان فاسد هیچ گاه از کشور دفاع نمی کنند و این منجر می شود که مقاومت کشور فروریزد.

پس در مواجهه با شعارهای دول غربی نکته دیگر که باید به این نکته توجه داشت این است که آیا رابطه شعارشان با عملشان چگونه است! اگر دیدید آنان شعار حقوق بشر می دهند اما در عمل ملت ایران را مورد تحریم دارویی قرار می دهند درمی یابیم که این ها طرفدار حقوق بشر نیستند و فقط به دنبال منافع خود هستند.

در خصوص موضوع فوق روایات فراوانی داریم که «مَنْ لَمْ يُحِبَّ عَلِيَّ الدِّينِ وَ لَمْ يُغِضْ عَلِيَّ الدِّينِ فَلَا دِينَ لَهُ»؛^۱ «هرکس دوستی و دشمنی اش برای دین نباشد، دین ندارد». اگر کسی بر اساس دین محبت نمی کند بر اساس دین بغض ندارد این اصلاً دین ندارد.

برخی افراد می گویند: «آقا من همه را دوست دارم» باید این سؤال پاسخ دهند این عبارت به چه معناست؟ کافر و فاسق و بی دین و لامذهب را دوست

۱. محمدبن یعقوب کلینی رازی، اصول کافی، ج ۲، ۱۲۷.

دارید؟ آیا صدام و جنایت‌کاران بین‌المللی را دوست دارید؟ اگر این باشد این دین نیست؛ چراکه نمی‌شود گفت من هم امیرالمؤمنین^ع را دوست دارم و هم معاویه را، هم یزید را دوست دارم، هم امام حسین^ع را؛ چراکه دوستی در خصوص امثال معاویه و یزید اصلاً معنا ندارد.

در روایات در خصوص حب و بغض فی‌الله تأکید فراوان شده است و بیان شده که در راه خدا باید محبت داشته باشید و در راه غیر خدا بغض؛ از این رو در سیره علوی مشاهده می‌کنیم که ایشان نه تنها نسبت به امثال معاویه بغض داشتند؛ بلکه با آنها جنگ نیز نمودند.

امام صادق^ع در زیارت اربعین، خطاب به امام حسین^ع می‌فرمایند «وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ»^۱ بر این نکته تأکید دارند که در راه خدا تا هنگام رحلت‌ات جنگیدی و می‌فرمایند: «فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ»^۲ خدا لعنت کند کسانی را که تو را شهید کند و لعنت و عذاب الهی و دوری از رحمت خدا است. وقتی می‌گویم خدا لعنت کند فلانی را یعنی خدا او را از رحمتش دور کند و عذابش کند و این اعلام برائت است «وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ»^۳ و خدا لعنت کسانی که به تو ظلم کنند «وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ»^۴. خدا لعنت کند کسانی را که زمانی که قتل و ظلم به تو را شنیدند راضی و خوشنود گشتند؛ چراکه این امر گویای این است که به نظر آنها این جنایت کار درستی

۱. محمدباقر مجلسی، زاد المعاد، ج ۱، ۲۴۷.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۴۷.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۴۷.

۴. همان، ج ۱، ص ۲۴۷.

بوده و بدان راضی باشند؛ از این رو امروز هم، آن‌ها را لعنت می‌کنیم و در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ».

امروزه کم نیستند کسانی که در مقابل خط امام حسین علیه السلام قرار گرفته و مورد لعن قرار گرفته‌اند؛ از این رو درخواست داریم که: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ»^۱. «پروردگارا من تو را گواه می‌گیرم که من دوست آن حضرت و دوست دوستداران او هستم» و همچنین تأکید کنیم که «وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ»؛ «من دشمن کسی هستم که دشمن امام حسین علیه السلام است».

گاهی برخی در زبان «یا امام حسین علیه السلام» می‌گویند و مجلس روضه برای حضرت می‌گیرند، سینه هم می‌زنند، پول هم برای امام حسین علیه السلام خرج می‌کنند و به مسجد هم می‌روند؛ ولی در عین حال ماهواره هم در خانه دارند و حرف‌های دشمن امام حسین علیه السلام را گوش می‌دهند و رفتارهای آنها را هم انجام می‌دهند و با آوردن ماهواره در خانه به زن و بچه‌هایشان این فرصت را فراهم می‌کنند که حرف‌های دشمنان امام حسین علیه السلام را گوش بدهند و کم‌کم باور کنند؛ آیا این اصلاً شدنی است؟! آیا فردی که می‌گوید من امام حسین علیه السلام را دوست دارم، اما در عمل دقیقاً قطب مخالف رهنمودهای معصومین علیهم السلام عمل می‌کند و کارهای فساد و فحشا انجام می‌دهد ایمان واقعی دارد؟!!

شما باید بدانید که این‌ها دشمن دین هستند؛ پس چطور می‌روید در کنار آن‌ها می‌نشیند و حرف آن‌ها را گوش می‌دهید؟! در قرآن کریم داریم که وقتی

۱. همان، ج ۱، ص ۲۴۷.

دیدید که افرادی در جلسه‌ای نشسته‌اند و آیات خدا و دستورات دینی و اسلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام را «وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا» مسخره می‌کنند و به آیات خدا کفر می‌ورزند؛ اساساً ما حق نداریم با کسانی هم‌نشین شویم که دین خدا را مسخره می‌نمایند: «فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ»؛^۱ «هرگاه بشنوید افرادی آیات خدا را انکار و استهزا می‌کنند، با آنها ننشینید تا به سخن دیگری بپردازند!»؛ چراکه قرآن در ادامه آیه می‌فرماید: «إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ»؛^۲ «اگر حرف‌های آن‌ها را شنیدید، شما هم مثل آنان خواهید بود». «إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا»؛^۳ «خداوند، منافقان و کافران را همگی در دوزخ جمع می‌کند». امروزه مشاهده می‌کنیم که در برخی از کانال‌ها و شبکه‌های اجتماعی، بسیاری از دستورات الهی مورد هجمه و تمسخر قرار گرفته است؛ از این رو عضویت در این کانال‌ها ضمن اینکه طرفداران این شبکه‌ها را ولو به‌ظاهر زیاد نشان می‌دهد بی‌شک موجب ایجاد بدبینی یا شک به دین و تعالیم به‌ویژه برای جوانان می‌گردد. پس این فقره از زیارت عاشورا که می‌فرماید: «وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ...»؛ یعنی من دشمن کسی هستم که دشمن امام حسین علیه‌السلام و دین است که امروزه این شبکه‌ها و کانال اجتماعی از جمله آن‌هاست.

۱. نسا: ۱۴۰.

۲. همان.

۳. همان.

تسلیم بودن نسبت به امر مولی، دشمن‌شناسی

قلب حکایت از فکر و اندیشه انسان است؛ در بخشی از زیارت اربعین آمده است: «وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ»؛ «و قلبم تسلیم قلب پاک شما و همه کارم پیرو امر شماست و یاریم تا خدا اذن دهد برای شما مهیا است». سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که اگر قلب از فکر و اندیشه انسان حکایت می‌کند چرا واجب شده که نماز صبح را بلند بخوانیم، یا نماز صبح ظهر را چهار رکعت و نماز صبح را دو رکعت بخوانیم؟ در پاسخ باید گفت برخی از حوزه‌ها، حوزه تعبد است، می‌گویند دو رکعت بخوان می‌گویم چشم می‌گویند چهار رکعت بخوان می‌گویم چشم «وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ».

در جنگ صفین کسانی که به امیرالمؤمنین علیؑ ظلم بیشتری را نمودند افرادی بودند که تسلیم ایشان نبودند؛ از این رو زمانی که طرفداران معاویه قرآن را بر سر نیزه کرده و شعار دادند که قرآن بین ما حاکم است، برخی افراد همچون مالک اشتر و یاران واقعی امیرالمؤمنین علیؑ اصلاً تردید به خود راه ندادند و اعلام کردند که ما همچنان می‌جنگیم تا آنان را از بین ببریم. برخی دیگر که انسان‌های ساده لوح و فاقد عنصر دشمن‌شناسی بودند بیان داشتند که قرآن بین ما حاکم باشد؛ از این رو به جای حمله به معاویه و دشمن، به سوی امیرالمؤمنین علیؑ حمله کردند! و به تعبیر خود حضرت، مردم همانند شتران تشنه کامی که به آب برسند بر من هجوم آوردند.

حضرت علیؑ در سخنانی هنگام شروع جنگ صفین این‌گونه بیان نمودند:

«فَتَدَاكُوا عَلَيَّ تَدَاكَ الْإِبِلُ الْهَيْمِ يَوْمَ وَزِدْهَا وَقَدْ أَرْسَلَهَا زَاعِيَهَا وَ خُلِعَتْ مَتَانِيهَا حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُمْ قَاتِلِي أَوْ بَعْضُهُمْ قَاتِلُ بَعْضٍ لَدَيَّ. وَقَدْ قَلْبْتُ هَذَا

الْأَمْرَ بَطْنَهُ وَظَهْرَهُ حَتَّى مَنَعَنِي النَّوْمَ، فَمَا وَجَدْتُنِي يَسَعُنِي إِلَّا قِتَالَهُمْ أَوْ
الْجُحُودُ بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ ﷺ. فَكَانَتْ مُعَالَجَةُ الْقِتَالِ أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مُعَالَجَةِ
الْعِقَابِ وَ مَوَاتِ الدُّنْيَا أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مَوَاتِ الْآخِرَةِ^۱

«مردم همانند شتران تشنه‌ای که به آب نزدیک شده و ساربان رهایشان کرده و عقاب (پای‌بند) از آنها گرفته، بر من هجوم آوردند و به یکدیگر پهلوی می‌زدند، فشار می‌آوردند، چنان‌که گمان کردم مرا خواهند کشت، یا بعضی به وسیله بعض دیگر می‌میرند و پایمال می‌گردند. پس از بیعت عمومی مردم، مسئله جنگ با معاویه را ارزیابی کردم، همه جهات آن را سنجیدم تا آنکه مانع خواب من شد، دیدم چاره‌ای جز یکی از این دو راه ندارم: یا با آنان مبارزه کنم و یا آنچه را که محمد ﷺ آورده، انکار می‌نمایم، پس به این نتیجه رسیدم که، تن به جنگ دادن آسان‌تر از تن به کیفر پروردگار دادن است و از دست دادن دنیا آسان‌تر از رها کردن آخرت است.»

از این رو مشاهده می‌کنیم اگر عنصر دشمن‌شناسی وجود نداشته باشد، این‌گونه افراد با یک شعار فریبنده به راحتی فریب دشمن خورده و تسلیم می‌شوند.

جنگ شناختی و راه مقابله با آن

یکی از مهم‌ترین مسائلی که باید به آن توجه داشت بحث جنگ شناختی است؛ چراکه مشاهده می‌کنیم که دشمن با بهره‌گیری از ابزارهای متعدد و متنوع همچون ماهواره‌ها و شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های انحرافی، آن‌چنان بر روی فکر و

۱. نهج البلاغه، خطبه ۵۴.

مغز افراد کار می‌نمایند که اگر آنان زندگی عادی یا حتی مرفه‌ای نیز داشته باشند با گذر زمان احساس بدبختی و یاس و ناامیدی از کشور می‌نمایند؛ بنابراین جنگ شناختی این امکان و زمینه را فراهم می‌کند که افراد واقعاً نگاهشان به همه‌جا تغییر نماید. قرآن می‌فرماید «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^۱ «اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!»

در این جنگ شناختی دشمن تلاش می‌کند تا از اهل بیت علیهم‌السلام فاصله بگیریم در این شرایط همچنان‌که در زیارت اربعین آمده خطاب به امام حسین علیه‌السلام بیان داریم که «وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ»؛ «ای امام حسین علیه‌السلام ما قلبمان تسلیم تو است» یعنی «جان، مال، نزدیکانمان هرچه داریم در راه تو ما هدیه می‌نماییم و فکر شما را ما کاملاً قبول داریم و هرچه شما دستور بدهید ما مطیع هستیم و ما مطیع اهل بیت علیهم‌السلام هستیم» و «أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ» ما از شما پیروی می‌کنیم.

آمادگی جهاد در رکاب امام زمان علیه‌السلام

بعضی افراد با بیان این عبارت که ما اهل بیت علیهم‌السلام را قبول داریم اما حال جنگیدن نداریم! که این سخن، نادرست است؛ چراکه شیعه واقعی می‌گوید: «وَأُنْصِرْتِي لَكُمْ مُعَدَّةً؛ نصرت و یاری‌ام برای شما آماده است» بنابراین ما باید خود را آماده برای یاری اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و ظهور امام زمان علیه‌السلام نماییم و بیان داریم که «اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا

۱. ابراهیم: ۷.

فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرّاً كَفَنِي شَاهِراً سَيْفِي مُجَرِّداً قِنَاتِي مُلَبَّياً دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي»؛^۱ «خدايا اگر بین من و او مرگی که بر بندگانت حتم و قطعی ساختی حائل شد، کفن پوشیده از قبر مرا بیرون آور، با شمشیر از نیام برکشیده و نیزه برهنه، پاسخگو به دعوت آن دعوت‌کننده، در میان شهرنشین و بادیه‌نشین» و با بیان این عبارات از خداوند می‌خواهیم که اگر قبل از ظهور امام زمان از دنیا رفتیم، در زمان ظهور حضرت حجت رجعت نموده و شمشیر به دست آماده جهاد در رکاب ایشان باشیم».

لزوم برائت از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام

برائت از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام یکی از تعابیر پرکاربرد در زیارت ائمه معصومین علیهم‌السلام است «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ»^۲ به این معنا که آنها که با شما هستند با دشمنانان نیستند نه در فضای مجازی نه در فضای حقیقی.

در بیش از چهل و اندی سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی چه در زمان جنگ و چه بعد از جنگ؛ در جنگ که تقریباً دنیا علیه ما بسیج شده بود، برخی با شرکت در جنگ نه تنها نمره قبولی گرفته‌اند؛ بلکه برخی از آنان توفیق شهادت یافتند و یا به درجه جانبازی نائل گردیدند؛ اما در مقابل برخی دیگر نه تنها در جنگ شرکت نکردند؛ بلکه با احتکار و اختلاس در حقیقت در کنار دشمن قرار گرفتند.

۱. بحارالأنوار، ج ۹۹، ص ۱۱۱؛ ابراهیم بن علی کفعمی، البلد الامین، ج ۱، ص ۸۲.

۲. المزار، ج ۱، ص ۲۷۸.

ضیافت اربعین، ضیافت اشک و عرش

ضیافت‌ها، مسافت‌ها را کم کرده است، دعوت به ضیافت غذا، آب، چای و قهوه و تنها دعوت به ضیافت نان و ناهار و شیرینی نیست؛ بلکه دعوت به ضیافت اشک و عرش است. اربعین ضیافت نوحه‌های غم‌انگیزی است که اگر شعله‌ور شود سنگ را ذوب و فولاد را نرم می‌کند و خون را به جوشش می‌آورد و ضیافت اربعین ضیافت همین بغض‌های شکفته و این چشم‌های خون‌بار این داغ است. اربعین آتشی است که بعد از ۱۴۰۰ سال همچنان سوزان می‌سوزد. اربعین تنها ضیافت شیر و شکر و شهد خرما نیست، اربعین حلاوت حلوای حلم و بردباری چنین زنان و کودکان آفتاب‌سوخته است که تنها کلامشان شده است: «هالایکم یا زوار هالایکم یا زوار».

گفتار چہارم:

آثار فردی و اجتماعے زیارت
اربعین

محمد جواد یآوری

یکی از مباحثی که در بنیادهای معرفتی شیعه مطرح بوده و شیعیان به آن به‌عنوان یک نماد اهتمام دارند؛ مسئله «اربعین» است.

اربعین سیدالشهدا^{علیه السلام} مسئله‌ای است که در روایات ما به آن توجه و عنایت ویژه شده و امام صادق^{علیه السلام} زیارت اربعین را به صفوان بن مهران آموزش می‌دهند؛ در روایت امام حسن عسگری^{علیه السلام} به زیارت اربعین به‌عنوان یک نماد برای شیعیان اشاره شده و از این روایات بیان خواهد شد که مسئله زیارت اربعین سیدالشهدا^{علیه السلام}، قبل از سیدالشهدا^{علیه السلام} و بعد از سیدالشهدا^{علیه السلام} برای هیچ امام معصومی مورد توجه نبوده و این مهم خاص این حضرت است.

از قداست عدد چهل تا اربعین حسینی

عدد چهل در روایات از جنبه قدسی و ارزشی برخوردار است؛ به‌عنوان مثال توصیه به حفظ چهل حدیث، استجابت دعا بعد از چهل روز دعا، رفتن حضرت موسی^{علیه السلام} به کوه طور به مدت چهل شبانه‌روز و... همگی نشان‌دهنده ارزش عدد چهل در برخی از روایات است.

زیارت اربعین که پس از چهل روز از شهادت سیدالشهدا^{علیه السلام} اتفاق می‌افتاد برای اولین بار توسط شیعیانی همچون جابر بن عبدالله انصاری و خود حضرات معصومین^{علیهم السلام} و اهل بیت سیدالشهدا^{علیه السلام} که از همان اربعین اول بنا بر روایات و شواهد تاریخی اتفاق افتاد انجام گرفته است و پس از هم توسط امامان شیعه همچون امام صادق^{علیه السلام} و امام حسن عسگری^{علیه السلام} مورد تأکید واقع شده و به‌عنوان نماد از آن یاد شده است و آن را نماد شیعه قرار داده‌اند.

زیارت اربعین نماد شیعه

سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که چرا اربعین نماد شیعه قرار داده شده است؟

در پاسخ باید گفت به این دلیل که قرار است قیامی که سیدالشهدا^ع که در واقعه کربلا علیه ظلم و برای احیای دین انجام دادند، به معرفی دین و شناسایی آن برای امت اسلامی ختم گردد؛ چراکه قبل از آن دشمنان اسلام بر آن بودند که دین را نابود کنند. امام حسین^ع در پاسخ به پیشنهاد مروان بن حکم برای بیعت با یزید فرمودند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَعَلَى الْإِسْلَامِ، أَلْسَلَامٌ إِذْ قَدْ بُلِيَتْ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدٍ»^۱ «در این صورت باید گفت: انا لله و انا اليه راجعون و فاتحه اسلام را خواند زیرا امت اسلام گرفتار چوپانی همانند یزید شده است».

نمادی که به وسیله زیارت اربعین ایجاد شده است منجر گردیده که هر ساله شیعیان با انجام این زیارت نشان بدهند که این قیام، حرکت در این مسیر استمرار و حیات دارد.

آثار فردی و اجتماعی زیارت اربعین

سفر زیارت اربعین دارای تأثیرات معنوی شگرفی در حوزه فردی و اجتماعی است؛ از جمله آثار فردی زیارت اربعین این است که فرد به این وسیله می‌تواند با توسل به سیدالشهدا^ع و پیوند زدن دل خویش به محبت اهل بیت^ع برای خویش فضای معنویت ایجاد نماید و یک عمل مستحبی و عبادتی را به قصد تقرب انجام دهد.

۱. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۵.

علاوه بر آثار فردی، زیارت اربعین دارای یک جنبه جمعی، اجتماعی و سیاسی نیز است. جنبه اجتماعی به این شکل است، که زائران حسینی با اجتماع و حرکت دسته جمعی در یک مسیر واحد این پیام وحدت را بر محور سیدالشهدا^{علیه السلام} به جهانیان مخابره می کنند و این جمعیت عظیم را نمایانگر ظرفیت جامعه شیعه اثناعشری و مکتب اهل بیت^{علیهم السلام} در تحولات سیاسی و اجتماعی معرفی می کند؛ بنابراین معرفی مکتب و مسیر اهل بیت^{علیهم السلام} در حقیقت معرفی اسلام ناب است که توسط رسول الله^{صلی الله علیه و آله} بنیان گذاری شده است.

اینکه نگاه و نظر مسلمانان را به مسئله کربلا معطوف می کند و این نکته بسیار حائز اهمیتی است. آنچه در اجتماعاتی همچون اربعین اهمیت دارد این است که لازم است پیام این اجتماعات مخابره گردد؛ اما قبل از مخابره آن باید به محتوا و گیرنده آن توجه شود و ضمن توجه به جنبه فردی آن به جنبه اجتماعی آن تأکید گردد. مثلاً اگر در عبادتی همچون نماز علاوه بر جنبه فردی به جنبه اجتماعی و در قالب جمع و جماعت توجه نماییم این پیام را مخابره می کند که مسلمانان دارای اتحاد و یکپارچگی در صفوف واحد بوده و از یک امام پیروی می کنند. پدیده اربعین نیز اگر در قالب جمعی و جمعیتی ملاحظه گردد، آن پیامی که تولید و به تمام دنیا مخابره نموده و همگان این پیام را دریافت می کنند، این است که این مکتب و مسیر دارای حیات بوده و مبارزه با ظلم و حمایت از مظلوم ابدی است؛ از این رو امام خمینی^{علیه السلام} بیان می دارند که این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.^۱

۱. سید روح الله، موسوی خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۳۰.

زیارت اربعین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رفتارهای جمعی، این پیام را به همگان مخابره می‌کند که در یک طرف داستان کربلا، عدل و عدالت و خون سیدالشهدا^{علیه السلام} قرار دارد که برای دفاع از دین جان و مال خودش را تقدیم می‌نماید و آن طرف دیگر ظالمانی هستند که حتی از آب هم دریغ می‌نمایند.

مردم با حضور میلیونی خویش در اربعین حسینی در کربلا برآنند که این پیام را منتقل نمایند که تواضع و فروتنی یک موکب‌دار و کسی که خانه یا خیمه خودش را در اختیار زائران قرار داده است همه این‌گونه رفتارها برگرفته از آموزه‌های دینی و مکتب اهل بیت^{علیهم السلام} است. میزبانان عراقی با همه دارایی و ذخیره‌ای که در طول یک سال جمع نموده‌اند همه را در طبق اخلاص نهاده و با عشق تقدیم زائران حسینی می‌کنند.

آثار فرهنگی و تمدنی اربعین

اربعین دارای آثار تمدنی و فرهنگی و... متعدد است. فرهنگ موکب‌داری، فرهنگ تکریم زائر از جمله زوایای فرهنگی است. مواجهه ما با پدیده اربعین به‌عنوان یک بستر تمدنی اهمیت بسیاری در پویایی تمدن اسلامی دارد. نگارش آثار علمی و خلق آثار هنری و... در همین راستا ارزیابی می‌شود.

بررسی جامعه‌شناسانه زائران حسینی از ملیت‌های گوناگون حکایت از این دارد که سیدالشهدا^{علیه السلام} متعلق به همه بشریت است؛ چراکه هرچند قیام ایشان در درون جامعه شیعه شکل گرفته اما درس‌های این قیام برای همه بشریت دارای اهمیت و قابل استفاده است

در یک جمع‌بندی کلی می‌توانیم بگوییم که اربعین دارای آثار فردی و

اجتماعی است. در جنبه اجتماعی و جمعی اربعین این نکته تأکید می‌شود که اربعین به جامعه اسلامی حیات بخشیده و موجب هویت بخشی به آن می‌شود. زیارت اربعین به عنوان یک نماد در تاریخ اجتماعی به شمار می‌رود. در خصوص نماد، همگان اعم از شرقی‌ها و غربی‌ها، مسلمان و غیرمسلمان برآنند که نماد، اعم از زبانی یا غیرزبانی باید حاوی یک پیام باشد. مثلاً ملاحظه می‌کنیم نمادهای غیرزبانی همچون پرچم، سکه‌ای که بر روی نوشته‌ای درج شده است حاوی یک پیام است مثلاً اگر روی یک سکه‌ای نام اهل بیت علیهم‌السلام حک شده باشد متوجه می‌شویم این مربوط به حکومت شیعیان است یا اگر روی یک پرچم نام الله درج شده باشد می‌فهمیم که پرچم از آن دولت مسلمین است. محرم و صفر اربعین حسینی یک نماد غیرزبانی به شمار می‌رود که اهل بیت علیهم‌السلام بر آن تأکید کرده‌اند، این نماد شیعی که اساساً هویت ما به آن گره خورده است متمایزکننده و شاخص برای شناخت اسلام ناب است. امروزه گفتمان مقاومت در منطقه حاکی از این دارد که این هویت، باعث ماندگاری مکتب اسلام و حیات اسلام شده است و نکته‌ای که امام خمینی با این تعبیر بر آن تأکید دارند: «این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است»^۱ که تحقق این امر طبعاً منوط به حضور در رفتارهای جمعی به ویژه اربعین است.

گفتار پنجم:

مبانی و اصول پیاده‌روی برای
زیارت امام حسین علیه السلام

رضا محمدی شاهرودی

معنای مبانی و اصول و تفاوت آن دو

مبانی و اصول هر موضوع، امری مهم و اساسی در شناسایی آن به شمار می‌رود؛ از این رو باید گفت تا این اصول و مبانی؛ مبدأ و مقصد موضوع مشخص نشود نمی‌توان در تبیین آن موضوع گام برداشت.

«مبانی» یک موضوع عبارت است از گزاره‌های تربیتی آن موضوع، از جنس هست‌ها و نیست‌ها و در حقیقت شالوده، اسکلت و پایه و اساس یک موضوع را تشکیل می‌دهد و این مبانی ممکن است جنبهٔ انسان‌شناسی، جهان‌شناسی، روانشناسی و معرفت‌شناسی داشته باشد؛ اما در مقابل «اصول» به گزاره‌های گفته می‌شود که برخلاف مبانی از جنس هست‌ها و نیست‌ها است، بلکه از جنس بایدونباید‌ها بوده که البته مبتنی بر همان مبانی است. اصول همچنین ممکن است از علوم تجربی همچون روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم تربیتی و همچنین از آموزه‌های دینی یا از دیدگاه علمای بزرگوار این راه، اتخاذ گردد.

مبانی راهپیمایی اربعین

راهپیمای اربعین از ابعاد مختلف و مناظر گوناگون قابل توجه و بررسی است که این تفاوت‌ها طبعاً منجر به تفاوت در مبانی و اصول آنان نیز می‌گردد. گاهی اوقات ما موضوعی را از منظر دین ملاحظه می‌نماییم که در این صورت برای فهم مبانی آن موضوع به سراغ آیات و روایات می‌رویم.

قرآن کریم در سورهٔ توبه می‌فرماید:

«لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطِئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَيْلًا إِلَّا كَتَبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»؛^۱ «هیچ تشنگی و خستگی و گرسنگی در راه خدا به آنها نمی‌رسد و هیچ گامی که موجب خشم کافران می‌شود، برنمی‌دارند و ضربه‌ای از دشمن نمی‌خورند، مگر اینکه به خاطر آن، عمل صالحی برای آنها نوشته می‌شود؛ زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند!».

مرحوم صاحب وسایل در وسایل الشیعه، در انتهای کتاب حج بابی با عنوان کتاب المزار باز کرده است که در آن بخشی را به پیاده‌روی برای زیارت امام حسین علیه السلام اختصاص داده و شش روایت در این خصوص بیان می‌کند^۲ و همچنین در بخش دیگر سه روایت دیگر را در بابی با عنوان «باب تأکید استحباب زیارة الحسین علیه السلام يوم الاربعین من مقتله وهو يوم العشرين من صفر» ذکر نموده و بر زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین تأکید نموده است.

اولین روایتی که ایشان نقل می‌کنند حدیث مشهور امام حسن عسکری علیه السلام است که فرمودند: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّحْتُمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛^۳ «نشانه‌های مؤمن، پنج چیز است: پنجاه‌ویک رکعت نماز [گزاردن در شبانه‌روز]، زیارت اربعین، انگشتر به دست راست کردن، پیشانی بر خاک نهادن و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم».

۱. توبه: ۱۲۰

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۳۹.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۴۷۸.

در متون روایی آن‌قدر بر زیارت امام حسین علیه السلام تأکید شده است که حتی در برخی موارد از این زیارت به‌عنوان یک فرضیه توصیف شده است:

امام باقر علیه السلام در حدیثی می‌فرماید:

«مُرُوا شِيعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ إِيْتَانَهُ مُفْتَرَضٌ عَلَيَّ كُلِّ مُؤْمِنٍ يُقِرُّ لِلْحُسَيْنِ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛^۱ «شیعیان ما را امر کنید که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام بروند زیرا زیارت آن حضرت بر هر مؤمنی که اقرار به امامتش از جانب خداوند عزوجل دارد فرض و واجب است».

آنچه از مبانی زیارت اربعین به معنای هست‌ها و نیست‌ها قابل استنباط است این است که زیارت اربعین حسینی امری مستحب است؛ با این مبنا هر قدمی که شخص در این مسیر گام برمی‌دارد برای او حسنه نوشته شده و سیئات او مورد آمرزش قرار خواهد گرفت و به درجات او افزوده خواهد شد.

اصول زیارت اربعین

حال که مبانی زیارت اربعین مشخص شد، اصول آن نیز باید از این مبانی اتخاذ گردد. اولین اصل کلی این است که نباید از زیارت اربعین غفلت نمود و بر همه لازم است که به هر شکلی اعم از قلم، مال، جان، فکر و هرچه در توان دارد در مسیر زیارت گام بردارند و به تعبیر دیگر هر آنچه انسان توان دارد لازم است در این مسیر صرف نماید.

حال اگر کسی خود توان رفتن به زیارت اربعین را ندارد می‌تواند از هر راه که

۱. کامل‌الزیارات، ج ۱، ص ۱۲۱.

می‌تواند اعم از فضای مجازی، نگارش و تحقیق، سخنرانی و... خود را در مسیر زیارت امام حسین علیه السلام قرار دهد.

اصل دیگر رعایت آداب زیارت است. این آداب که خود بیش از بیست عدد هم می‌شود حالات، حرکات و سکنات زائر را شامل می‌شود؛^۱ از این رو که زائر امام

۱. ر.ک: محمدباقر پورامینی، پسرمان رضوی: حرم امام، ج ۳، ص ۳۷-۸۰ به نقل از جامع عباسی، ج ۲، ص ۱۶۷-۱۶۹؛ نظام‌الدین ساوجی، شاگرد تراز اول شیخ‌بهایی نیز به صورت جامع، شیوه ورود به حرم مقدس و همچنین برخی آداب حضور در آن را ارائه کرده است. او به ۲۱ نکته برای زیارت اشاره می‌کند:

۱- پیش از دخول به روضه منوره غسل کند؛

۲- تا زمان داخل شدن با طهارت باشد؛

۳- جامه نو و پاک پوشد. بر در مشهد (مزار امام) بایستد و دعای منقول بخواند و اذن دخول بطلبد؛ پس اگر در آن حال، او را رقت به هم رسد، داخل شود؛ وگرنه انتظار بکشد تا هرگاه رقت به هم رسد، داخل شود؛

۴- با خضوع و خشوع داخل شود. در حین دخول، پای راست را مقدم دارد و در وقت بیرون آمدن پای چپ را؛

۵- خود را به ضریح بچسباند. بعضی توهم کرده‌اند که دور ایستادن بهتر است و این غلط است؛ چه، در احادیث وارد شده است که بر ضریح تکیه باید کرد. بوسیدن ضریح جایز است. در بوسیدن آستان‌ها، حدیثی وارد نشده است و بعضی از مجتهدان امامیه بر آن‌اند که جایز است؛

۶- رو به قبله نکند؛ بلکه رو به ضریح و پشت به قبله کردن در حالت زیارت بهتر است؛

۷- زیارت به طریق منقول کند. گفتن السلام علیک کافی است و بعضی مجتهدان، حضور در آنجا را کافی می‌دانند؛

۸- جانب راست روی خود را بر ضریح بنهد و در وقت فارغ شدن از زیارت دعا کند؛

۹- جانب چپ روی خود را بر ضریح بنهد و از خدای تعالی به حق او و به حق صاحب قبر، درخواست کند که او را از اهل بهشت بگرداند به شفاعت صاحب قبر و نیز در دعا و الحاح کردن مبالغه کند؛

حسین علیه السلام باید در تمام حالاتش خویش را در محضر ایشان ببیند و از لحظه‌ای که تصمیم زیارت گرفته و حرکت می‌نماید خود را در محضر امام حاضر ببیند بدین جهت است که زیارت را «حضور الزائر عندالمزور» می‌گویند و این حضور باید دائمی باشد نه صرفاً زمانی که در کنار قبر مطهر قرار داریم.

-
- ۱۰- بر سر بالین [بالای سر] آید و رو به قبله کرده و دعا کند؛
 - ۱۱- بعد از زیارت، دو رکعت نماز زیارت بخواند. اگر زیارت حضرت رسول(ص) باشد، سنت است که نماز زیارت را در میان منبر آن حضرت و قبر ایشان گزارد. اگر زیارت ائمه معصومان(عم) باشد، در بالین سر باید گزارد و در این نماز، رخصت از ائمه(عم) وارد شده است که رو به قبر می‌توان کرد؛ اگرچه مستلزم پشت به قبله کردن باشد؛ اما اگر چنان کند که رو به ضریح کند و پشت به قبله نکند، بهتر است؛
 - ۱۲- بعد از نماز زیارت، دعای منقول بخواند و آنچه به خاطرش رسد از مسائل دین و دنیا، طلب کند. دعا برای جمیع خلائق کردن بهتر است؛ چه، آن به اجابت نزدیک‌تر است؛
 - ۱۳- در آن مکان، تلاوت قرآن کرده و ثواب آن را به صاحب ضریح هدیه کند؛ چه، نفع آن باز به او می‌رسد و سبب تعظیم صاحب قبر است؛
 - ۱۴- در جمیع احوال و به حسب استطاعت، احضار قلب داشته باشد و از جمیع گناهان توبه کند؛
 - ۱۵- بر خدمتکاران و نگاهبانان و محتاجان آن مقام تصدق کند؛ چه، ثواب تصدق در آن مقام، مضاعف می‌شود؛
 - ۱۶- خدمتکاران و نگاهبانان و محتاجان آن مقام را تعظیم کند؛ چه، در حقیقت، تعظیم ایشان تعظیم صاحب قبر است؛
 - ۱۷- هرگاه از زیارت برگردد، تا در آن شهر است، باز به زیارت رود؛
 - ۱۸- هرگاه رفتن او نزدیک آید، وداع به دعای منقول کند؛
 - ۱۹- از خدای تعالی بازگشت بدان مقام را بخواهد؛
 - ۲۰- در وقت بیرون آمدن از آن مقام، روی به ضریح کند و عقب‌عقب بیرون آید؛
 - ۲۱- زود از آن مقام بیرون رود؛ چه، حرمت و تعظیم در آن بیشتر است و اشتیاق بازآمدن، زودتر به هم می‌رسد.

راهپیمایی اربعین، مؤلفه اقتدار تشیع

راهپیمایی اربعین حسینی از منظر سیاسی نیز قابل ملاحظه است؛ با این نگاه، مبنای آن این‌گونه است که در اسلام سیاست از دیانت جدا نبوده و اساساً اسلام طرفدار سیاست معقول و انسانی است از این رو مشاهده می‌کنیم حضرت امام حسین علیه السلام در وصیت خویش به برادرش محمدحنفیه در تبیین انگیزه اصلی نهضت و قیام خویش امر به معروف و اصلاح امت جدش بیان نموده می‌فرماید: «وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛^۱ «من تنها به انگیزه اصلاح در امت جدم پیا خاستم، می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش جدم و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام رفتار نمایم!»

سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا این پدیده پیاده‌روی اربعین که از بازتاب جهانی گسترده‌ای برخوردار است، می‌تواند به‌عنوان یک اهرم قدرت و یک مؤلفه اقتدار، برای پیروان اهل بیت علیهم السلام محسوب گردد؟

در پاسخ باید گفت، بی‌شک این حرکت عظیم یکی از مهم‌ترین عوامل و مؤلفه‌های قدرت تشیع به شمار می‌رود؛ چراکه مشاهده می‌کنیم که در دنیایی که امروزه، راهپیمایی‌های صد، دویست یا پانصد نفری، از بازتاب‌های گسترده‌ای در سطح جهان برخوردار است، بی‌شک راهپیمایی چند ده میلیونی مثل اربعین حسینی که نه تنها شیعیان؛ بلکه اهل سنت و حتی غیرمسلمانان نیز در آن شرکت

۱. ابن‌اعثم کوفی، کتاب الفتوح، ج ۵، ص ۳۳؛ بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

می‌کنند، از مؤلفه‌های اقتدار شیعه محسوب می‌گردد و حرکتی عظیم در جهت تألیف قلوب به شمار می‌رود؛ اما رسانه‌های بیگانه با تحریم نمودن این حرکت بزرگ و باشکوه سعی در نادیده انگاشتن این قدرت عظیم می‌نمایند که در مقابل لازم است با تمام توان در جهت نمایاندن جلوه بی‌نظیر حرکت حسینی و این مؤلفه قدرت تشیع تلاش نماییم.

راهپیمایی اربعین از منظر اجتماعی

راهپیمایی اربعین حسینی حرکت اجتماعی است که نه تنها موجب وحدت بین و یکدلی بین شیعیان است، بلکه موجب شناسایی امت اسلام نسبت به یکدیگر و زمینه‌ساز شناساندن حرکت حسینی به دیگر ادیان شده است.

راهپیمایی اربعین دل‌ها را به هم نزدیک نموده و موجب معرفی امت اسلام نسبت به هم می‌گردد، در این فضا مشاهده می‌کنیم که چه محبتی ایجاد می‌شود چه ایثارها و فداکاری‌های در این راه وجود دارد وقتی انسان به این قضیه با مبنای جامعه‌شناسی و اجتماعی نگاه می‌کند، آثار اجتماعی بی‌حدی بر این راهپیمایی عظیم مترتب می‌بیند که در هیچ کجای دنیا شما سراغ داریم. این جلوه‌های که در این زیارت ملاحظه می‌نماییم از لحاظ اجتماعی واقعاً بی‌نظیر است به‌عنوان مثال یک پیرزن قد خمیده با تکه کاغذ و مقوایی که در دستش گرفته زائران حسینی را باد می‌زند! این صحنه‌ها را کجا می‌توانیم پیدا کنیم یا ملاحظه می‌کنیم یک بچه چهارپنج‌ساله یک خانواده، محصول یک سال تلاششان را در طبق اخلاص قرار داده و از زائران آقا پذیرایی می‌نماید، این جلوه‌های بی‌نظیر انسانی و اجتماعی که در این راهپیمایی وجود دارد، بسیار با ارزش است.

گفتارششم:

زيارت اربعين، وسيله ارتباط
بين پيروان اديان و مذاهب
مختلف

احمد رهدار

لزوم بازتاب جهانی پدیده اربعین

پدیده مناسک زیارت اربعین حسینی^ع در دهه اخیر رشدی چشمگیر داشته است به گونه‌ای که چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی از نمونه‌ها و تاریخ خودش فاصله گرفته است. انسان‌های زیادی از کشورهای مختلف از فرّق اسلامی مختلف و حتی از خارج جهان اسلام در این آیین و منسک شرکت کردند و برای هر کدام از آن‌ها یک زاویه‌ای و یک حیثی از این منسک قابل توجه بوده است؛ اما آن چیزی که تقریباً به صورت مشترک قابل برداشت است این است که هر محقق و نویسنده‌ای، هر هنرمند و فیلم‌ساز و کارگردانی، هر جامعه‌شناس و استادی، از هر زاویه‌ای تخصصی به این پدیده نگاه کرده و به عجز خویش در انعکاس این مهم اذعان نموده است؛ به این معنا که مجموعه ظرفیت‌های دانشی و فناورانه که در اختیار آن‌ها است برای توصیف واقعیت این پدیده ناکافی است. از همین رو شاهد این نکته هستیم که هر سال تقریر و گزارشی و تحلیل‌های نو و متفاوت از این حرکت عظیم پیاده‌روی اربعین حسینی^ع ارائه می‌شود. به نظر می‌آید افق‌های جدیدی هم به لحاظ دانشی هم به لحاظ روحی و هم به لحاظ تجربی و تاریخی فراروی بشر از طریق این منسک باز می‌شود.

رابطه پدیده اربعین و شعائر شبه اسلامی با دیگر شعائر اسلامی

در خصوص پدیده اربعین بسان سایر پدیده‌ها و موضوعات مهم سؤالات و شبهات متعددی تولید یا بازتولید شده یا خواهد شد. یکی از این سؤالات این

است که نسبت این پدیده اجتماعی با دیگر شعائر اسلامی همچون پدیده حج چیست؟

آنچه قابل انکار نیست این است که برخی از تحلیلگران به غلط در ابتدا دوگانه مکه یا کربلا یا حج یا اربعین مطرح نمودند؛ اما خوشبختانه خیلی زود برخی از محققان و نویسندگان این نکته را تذکر دادند که شعائر اسلامی به صورت شبکه‌ای عمل نموده و در حقیقت هم‌افزای یکدیگر می‌باشند نه اینکه خنثی‌کننده و مقابل هم باشند. مناسک حج دارای ظرفیتی و نتایجی هست که پدیده اربعین با همه ظرفیت‌های ویژه خویش این نتایج و پیامدها در آن قابل دستیابی نیست؛ درعین حال پیاده‌روی اربعین از ظرفیت‌هایی برخوردار است که احتمالاً این ظرفیت‌ها و آن نتایج در پدیده حج به راحتی قابل تحصیل نیست؛ اما نکته این است این امر منحصر به این دو پدیده دینی نیست و بسیاری دیگر از مناسک و شعائر اسلامی وجود دارد که از دستاوردها و نتایج گاه مشترک و گاه متمایز برخوردار است؛ اما آنچه مهم است این است که همه این شعائر با یکدیگر از یک سمفونی برخوردار است و آن، سمفونی اخلاق، معنویت، اسلام، انصاف و انسانیت است.

پدیده اربعین؛ تکریم از یک شخص و حادثه مقدس

در خصوص پدیده اربعین باید گفت که این پدیده یک نوع تکریم عبادی و معنوی، از یک شخص مقدس و از رویداد و حادثه تاریخی مقدس به نام کربلا است که هسته مرکزی آن، امام معصوم حضرت حسین بن علی علیه السلام است. پدیده تکریم اربعین از این حیث امری انحصاری و فقط ویژه شیعیان نیست و

دیگر ادیان و مذاهب نیز بزرگانشان را تکریم نموده و رخدادهای مقدس تاریخی شان را گرامی می‌دارند؛ چراکه تکریم این‌گونه بزرگان و بازنمایی این‌گونه رویدادها در فطرت تاریخی بشری نهادینه شده است؛ از این رو مشاهده می‌کنیم ادیانی همچون یهود، مسیحیت، دارای شعائر و مناسک ویژه می‌باشند که برخی از این شعائر و مناسک، مناسکی است که روح آن در واقع به تکریم یک عالم، یک شخصیت و یک فرد مقدس برمی‌گردد.

آنچه واضح است اینکه این تکریم‌ها در فرهنگ‌های مختلف، الگوها و مدل‌های مختلفی به خود گرفته است؛ به‌عنوان مثال مقبره «نظام‌الدین اولیا»^۱ در دهلی، روزانه هزاران نفر، آن را زیارت و تکریم می‌کنند. یا مقبره «عبدالقادر گیلانی»^۲ در بغداد، مقبره «امام بخاری»^۳ در ازبکستان، مقبره «شیخ احمد

۱. محمدبن احمد بن علی دهلوی (۶۳۳-۷۲۵ق) معروف به شاه نظام‌الدین اولیا، شیخ نظام‌الدین اولیا، شاه نظام اولیا، نظام دهلوی و نظام‌الدین خالدی دهلوی از مشایخ قرن هشتم هجری و اعظم عرفای هندوستان و بزرگان طریقت چشتیه است. او چهارمین جانشین معنوی یا «خلیفه» خواجه معین‌الدین چشتی بود.

۲. رئیس عبدالقادر گیلانی (۱۰۷۷-۱۱۶۶م) با نام کامل عبدالقادر بن صالح جنگی دوست گیلانی، عارف، صوفی، محدث، رئیس و شاعر ایرانی سده پنجم و ششم قمری بود. وی بنیان‌گذار سلسله تصوف قادریه (منتسب به عبدالقادر) بود. او از سرشناسان بزرگان تصوف و شیخ طریقه قادریه است.

۳. احمد بخاری، حافظ ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بخاری جعفری؛ ۱۹ ژوئیه ۸۱۰-۱ سپتامبر ۸۷۰) (۱۹۴-۲۵۶ق) معروف به بخاری، نویسنده ایرانی کتاب صحیح بخاری یکی از صحاح سته است که ارزشمندترین کتاب حدیثی از نظر اهل سنت به شمار می‌رود.

بامبا^۱ در سنگال، «ابن عربی» در دمشق^۲ و... از جمله مواردی است که مورد زیارت و تکریم برخی از مسلمانان قرار می‌گیرند؛ بنابراین فرهنگ تکریم بزرگان جزء مسلمات فرهنگ جهان اسلام است البته چنانچه بیان شد مدل و نحوه تکریم شخصیت‌های معنوی علمی و بزرگان اسلامی متفاوت است.

زیارت و تکریم به صورت پیاده‌روی در ادیان و مذاهب

یکی از این روش‌های مرسوم زیارت و تکریم بزرگان در جهان اسلام و حتی خارج جهان اسلام، استفاده از روش زیارت به صورت پیاده‌روی است. براساس تحقیقات به عمل آمده^۳ در فرهنگ‌های ادیان آسمانی و حتی ادیان غیر آسمانی نیز شاهد پیاده‌روی‌های معنوی هستیم؛ از جمله آن‌ها پیاده‌روی‌های معنوی در آمریکا، اروپا، جنوب قاره آسیا و شبه‌قاره هند هستیم.

زیارت خانه خدا، قدیمی‌ترین زیارتی است که به صورت پیاده صورت می‌گرفته است؛ چراکه براساس نقل‌ها و گزارش‌های تاریخی در گذشته فارغ از فقدان وسایل حمل‌ونقل، توصیه دینی نیز بر انجام فرضیه حج به صورت پیاده^۴

۱. شیخ احمد و بامبا در سال ۱۸۵۲م متولد شد و دروس اسلامی را نزد پدر خود فراگرفت. وی نخست، از پیروان طریقه قادریه بود.

۲. ابن عربی، ابو عبدالله محیی الدین محمد بن علی بن محمد بن العربی الحاقمی (۵۶۰-۶۳۸ ق/۱۱۶۵-۱۲۴۰م)، معروف به شیخ اکبر، اندیشمند، عارف و صوفی بزرگ جهان اسلام. وی در مشرق، ابن عربی خوانده می‌شود.

۳. ر.ک: محمدرضا پویافر، از مؤسسان و عضو هیئت‌مدیره انجمن علمی بین‌المللی اربعین پژوهان.

۴. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ۲۱۸. «أَنَّه مَا تَقَرَّبَ

بوده است؛ البته امروزه نیز با وجود وسایل نقلیه‌ای همچون ماشین و هواپیما و امثال آن باز ملاحظه می‌کنیم که بخشی از مناسک حج هنوز جز مناسکی است که لازم است به صورت پیاده و به صورت دست‌جمعی انجام گیرد. بنابراین اقدام شیعه در ایام اربعین امام حسین علیه السلام مبنی بر حرکت پیاده به سوی حرم حسینی اقدام نادر یا یک بدعت و یک استثنا به شمار نمی‌رود؛ البته پیاده‌روی عظیم اربعین از یک وجوه انحصاری یا برخی خرده مناسکی برخوردار است که ویژه و مختص آن است.

اربعین و مقوله تمدن نوین اسلامی

در خصوص پدیده زیارت اربعین اگر بخواهیم یک نگاهی پسینی بدان داشته باشیم در گام اول لازم است، همین پانزده سال اخیر را که مناسک اربعین یک شتاب قابل توجهی به خودش گرفته است مورد بررسی دقیق قرار دهیم که این امر ضمن اینکه می‌تواند نتایج قابل توجهی به دست پژوهشگران و برنامه‌ریزان قرار دهد می‌تواند زوایای بحث و تحلیل جدید و مفیدی را روبه‌روی ما باز نماید که یکی از آن‌ها مسئله رابطه اربعین و مقوله تمدن نوین اسلامی است؛ به این معنا

عَبْدُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِسَيِّئَةٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْمَسْئِي إِلَى بَيْتِهِ الْحَرَامِ عَلَى الْقَدَمَيْنِ وَإِنَّ الْحَجَّهَ الْوَاحِدَةَ تَعْدِلُ سَبْعِينَ حَجَّةً وَ مَنْ مَشَى عَنْ جَمَلِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ مَا بَيْنَ مَشْيِهِ وَ رُكُوبِهِ وَ الْحَاجُّ إِذَا انْقَطَعَ شَسَعُ نَعْلِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ مَا بَيْنَ مَشْيِهِ حَافِيًا إِلَى مُتَّعَلٍّ؛ «هیچ بنده به هیچ وسیله‌ای محبوب‌تر نزد خدا از راه پیمودن با پای پیاده به خانه محترمش، بر او تقرب نجسته است، و یک حج با پای پیاده با هفتاد حج برابر است، و کسی که از شتر خود به زیر آید، و قدری پیاده راه بپیماید، خداوند ثواب همان را در نامه عملش بنویسد».

که چگونه می‌توانیم از ظرفیت زیارت مناسک اربعین برای نیل به تمدن نوین اسلامی بهره ببریم؟

در این خصوص کتب و مقالات مختلفی نگارش یافته و همچنین همایش‌های متعددی برگزار شده است که منجر به تولید ادبیات جدیدی در خصوص پدیده اربعین شده است. نتیجه آن این است که اربعین به‌عنوان یک پدیده مذهبی ظرفیت فراوانی در تمدن نوین اسلامی دارا است و می‌تواند به‌عنوان آزمون و نمونه خوبی برای بحث درباره تمدن اسلامی قرار گیرد. بی‌شک تحقق تمدن نوین اسلامی بر عهده امت اسلامی است و اربعین بهترین نمونه برای این موضوع، حتی بیشتر از حج است؛ چراکه در مقایسه با مناسکی مثل حج که فارغ از شرایط و محدودیت‌های اعزام، هزینه‌ها و... است. این مناسک مخصوص مسلمانان بوده و اساساً غیرمسلمانان نمی‌توانند در آن حضور پیدا نمایند؛ اما مناسک زیارت اربعین این‌گونه نیست؛ به این معنا که هرچند بار اصلی تمدن اسلامی بر عهده امت اسلامی است، اما بعد از تحقق این تمدن، درون این تمدن فقط مسلمان نیست بلکه غیرمسلمانان نیز مشارکت دارند. از این‌رو آزمون‌های که می‌تواند در مسیر شدن و تحقق خود، از ظرفیت غیرمسلمانان در حاشیه حضور مسلمان بهره‌بردار، پدیده اربعین است؛ البته این نکته تذکر داده می‌شود که اساساً فریضه حج مناسکی عظیم است که از دلالت‌ها و نتایج و پیامدهای هم مشترک هم انحصاری خودش را برخوردار است که در جای خود قابل‌بحث است اما بی‌شک دارای یک سری مزیت‌های نسبی برای تمدن نوین اسلامی است.

اربعین و گفتمان مقاومت

یک نسبت و زاویه دیگری که می‌تواند در پدیده اربعین مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد گفتمان مقاومت است. گفتمان مقاومت که امروزه گفتمان مهم به‌ویژه در منطقه غرب آسیا، به شمار می‌رود در حقیقت گفتمانی در مقابل نظام‌های ضعیف منطقه و ظرفیت موفق نظام جمهوری اسلامی است.

به نظر می‌آید که مناسک پیاده‌روی اربعین می‌تواند برای گفتمان مقاومت، زمینه و بستر مناسبی قرار گیرد؛ چراکه آنچه ما از پدیده اربعین انتظار داریم و به دلیل همین انتظارمان تلاش می‌نماییم، فقط ارتباط دادن ما و فرهنگ ما به گذشته ما نیست، بلکه آنچه اهمیت دارد ایجاد زمینه و بهره‌گیری از ظرفیت اربعین برای آینده ما است.

مسئله اربعین و مقوله وحدت اسلامی

وحدت اسلامی همچون گفتمان مقاومت یکی از گفتمان‌های ضروری و مهم جهان اسلام به شمار می‌رود؛ چراکه متأسفانه بسیاری از مشکلاتی که امروزه در جهان اسلام مشاهده می‌کنیم ریشه آن را در تفرقه و اختلاف‌های میان مسلمانان باید جستجو نمود؛ ازاین‌رو از دیرزمان تاکنون بسیاری از اندیشمندان جهان اسلام همچون سیدجمال اسدآبادی در این راستا تلاش نموده‌اند.

پدیده اربعین یک امت، کوچک‌شده از امت اسلامی را به نمایش می‌گذارد و اگر ما در درون این نمونه بتوانیم یک مدلی از وحدت را به نمایش گذاشته و الگویی از آن استخراج نموده و آن را اجرایی نماییم احتمالاً تعمیم این الگو یا تجربه این وحدت اسلامی می‌تواند در کلان جغرافیای جهان اسلام به شدت کارآمد و کارساز واقع گردد.

پدیدهٔ اربعین و ارتباط آن با دیپلماسی شهروندی و سیاسی در جهان اسلام

پدیدهٔ اربعین در عمل نشان داده است که در این بخش بسیار موفق عمل می‌کند؛ چراکه در این بستر معنوی شاهد حضور میلیون‌ها نفر از کشورهای مختلف هستیم که در پرتو آن ارتباط ملل مختلف با مردم عراق شکل گرفته و این امر یک ظرفیت جدیدی را ارتباطات و تعاملات مسلمانان را فراهم می‌کند.

امروزه شاهدیم که بسیاری از مردم ایران که در ایام اربعین به عتبات عالیات مشرف و در منازل مردم عراق حضور یافته‌اند این امر موجب ایجاد یک علاقهٔ روحی بین آنان گردیده و این علقه محدود به زمان اربعین نبوده بلکه این امر موجب ایجاد دوستی‌هایی گردیده که هنگامی که آنان نیز در ایران حضور می‌یابند، میزبان دوستان عراقی خویش می‌گردند که از نوع ارتباط در ادبیات امروزه با عنوان ارتباط حوزهٔ دیپلماسی و شهروندی دیپلماسی عمومی یاد می‌کنند.

ارتباط فوق به نظر یک نوع ارتباط جدید به شمار می‌رود که سبب شده که حتی دلالت‌هایی در حوزهٔ سیاسی داشته باشد، به این معنی که سرمایهٔ دیپلماسی شهروندی در مناسک اربعین به کار گرفته می‌شود حال فرض نمایید که اگر پدیدهٔ اربعین نمی‌بود این استعداد وجود داشت که مثلاً دولت عراق در برابر دولت ایران یک کارهایی انجام بدهد؛ اما اکنون به دلیل اینکه هزاران نفر از مردم عراق با هزاران نفر از مردم ایران گره خورده و بین آنان ارتباطات عمیق شکل گرفته

است، دیگر حاکمان و مسئولان در نظام‌های سیاسی را نمی‌توانند این ظرفیت جدید به وجود آمده را نادیده گرفته و با قطع نظر از این ظرفیت در یک مسئله سیاسی را موضعی اتخاذ نمایند که موجب خنثی شدن سرمایه‌های اربعین گردد.

حرف آخر

خلاصه اینکه تمام این موضوعات بیان شده همچون رابطه پدیده اربعین و مقاومت، اربعین و تمدن نوین اسلام، رابطه پدیده اربعین با مسئله دیپلماسی شهروندی و رابطه پدیده اربعین و وحدت امت اسلامی باعث می‌شود که مذاهب اسلامی مقوله اربعین و پیاده‌روی آن را به صورت عمیق و متفاوت مورد بررسی قرار دهند.

نکته لازم به ذکر اینکه هرچند یکی از ظرفیت‌های اربعین این است که می‌تواند برای نظام‌های سیاسی ظرفیت ایجاد نماید اما واقعیت این است که ظرفیت اربعین امری فراتر از ظرفیت یک نظام سیاسی است و اساساً ظرفیت اربعین از نظام‌های سیاسی بالاتر است.

اگر مذاهب اسلامی و عالمان و محققان مذاهب اسلامی اولاً تعصبات مذهبی را کنار بگذارند و ثانیاً با حلم و انصاف نمونه‌های تاریخی زیارت و هم پیاده‌روی را مطالعه نمایند و سپس ورود نموده و طرحی بیفکنند که ما مثلاً چگونه می‌توانیم در مناسک پیاده‌روی اربعین ایفای نقش بکنیم این امری مطلوب است؛ البته برخی از برادران و خواهران اهل سنت از همان سال‌های نخست که زیارت اربعین به راه افتاد در کنار برادران و خواهران شیعه خودشان

مشارکت داشته‌اند اما نکته‌ای که مورد تأکید است این است که لازمهٔ این امر، بیشتر از مشارکت‌های فردی است، لازم است نظام‌های سیاسی اهل سنت نیز به صورت آشکار از این پدیدهٔ مهم حمایت نمایند تا تمام این اهداف چندگانه‌ای که برای اربعین بیان شد راحت‌تر و کیفی‌تر تحصیل گردد.

از این رو جا دارد که اساتید جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، عرفان، کلام و فلسفه و اساتید سایر علوم انسانی مثل علم حقوق و علوم سیاسی و... تمامی ظرفیت‌های خود را در خصوص پدیدهٔ اربعین فعال نمایند و به بررسی ابعاد مختلف این پدیده بپردازند.

منابع

١. قرآن كريم.
٢. نهج البلاغة.
٣. آمدی تمیمی، عبدالواحدین محمد، غررالحکم و دررالکلم، قم: دار الکتاب الإسلامی، ١٤١٠ق.
٤. ابن اعثم کوفی، محمدبن علی، کتاب الفتوح، بیروت: دار الأضواء، ١٤١١ق.
٥. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق: عبدالحسین امینی، نجف الأشرف: دار المرتضویة، ١٣٥٦.
٦. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالصادر، ١٤١٤ق.
٧. پورامینی، محمدباقر، پرسمان رضوی: حرم امام، مشهد: آستان قدس رضوی، خانه پژوهش، ١٣٨٧.
٨. حرعاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ١٤١٦ق.
٩. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ١٤١٢ق.
١٠. شعیری، محمدبن محمد، جامع الأخبار، نجف: المطبعة الحیدریة، [بی تا].
١١. شهید اول، محمدبن مکی عاملی، المزار، قم: مدرسة الامام المهدي علیه السلام في حجة الوداع، ١٤١٠ق.
١٢. شیخ صدوق، ابن بابویه قمی، محمدبن علی، أمالی، تهران: کتابچی، ١٣٧٦.

۱۳. ———، ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، قم: دار الشریف الرضی، ۱۴۰۶ق.
۱۴. ———، علل الشرایع، قم: کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵ق.
۱۵. ———، عیون أخبار الرضاؑ، تهران: جهان، ۱۳۷۸ق.
۱۶. ———، معانی الأخبار، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۷.
۱۷. ———، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۱۸. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الأمالی (طوسی)، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۱۴ق.
۱۹. ———، تهذیب الأحکام، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۴.
۲۰. ———، مصباح المتعجل، قم: مؤسسة فقه الشیعه، ۱۴۲۵ق.
۲۱. کفعمی، ابراهیم بن علی، البلد الأمين، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ق.
۲۲. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، أصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: ناصر خسرو، [بی تا].
۲۳. ———، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۲۴. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۲۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۶. ———، زاد المعاد، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ق.
۲۷. موسوی خمینیؑ، سید روح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسة تنظیم و نشر آثار امام خمینیؑ، ۱۳۷۸.
۲۸. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسة آل البيتؑ لإحياء التراث، ۱۴۰۸ق.